



Prerequisites, Facilitators and Barriers to Student Engagement in Iranian Universities of Agricultural Sciences: Qualitative Research

Zahra Teimouri Koohsar¹, Saeed Mohammadzadeh², Maghsoud Ferasatkah³

1. Ph. D Graduate in Agricultural Education, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Khuzestan, Iran; (Corresponding Author) Email: teimuri.zahra@yahoo.com
 2. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Khuzestan, Iran. Email: sd.muhamad@gmail.com
 3. Professor, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran. Email: m_farasatkah@irphe.ir

Article Info

ABSTRACT

Article Type:

Research Article

Received: 2021/03/02

Received in revised

form: 2022/07/19

Accepted: 2022/08/16

Published online:

2022/08/17

Objective: The aim of this study was to identify the prerequisites, facilitators and barriers to academic engagement of students in Iranian agricultural higher education.

Methods: This research has a qualitative approach that was carried out by phenomenological method. Participants in this study included 16 university administrators and faculty members and 22 third and fourth undergraduate students from the Campus of Agriculture and Natural Resources at the University of Tehran, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Khuzestan University of Agricultural Sciences and Natural Resources and the College of Agriculture and Natural Resources of Gonbad Kavous University which have been selected based on purposive sampling with maximum diversity. The data collection tool was a semi-structured in-depth interview and the data analysis was performed based on Colaizzi's seven-step method.

Results: By analyzing the interview notes, 182 conceptual propositions were identified. Findings include six main themes related to the prerequisites for student engagement, including student-centered policy-making equipments, efficient supervision and management, personal characteristics, active citizenship, and culture- promotion; Six main themes related to facilitators including financial system, dynamic executive system, cognitive factors, evaluation system, information system and communication; And five main themes related to barriers, including individual, structural / educational, cultural, social, and economic barriers, were categorized.

Conclusion: According to the results the model based on prerequisites, facilitators and barriers for student engagement in the university can pave the way for university planners to take the right, fast, systematic and also without haste steps to in order to provide prerequisites, increase of facilitators and remove existing obstacles.

Keywords: Agricultural students, content analysis, qualitative study, student engagement, participatory learning

Cite this article: Teimouri Koohsar, Zahra. Mohammadzade, Saeed. Ferasatkah, Maghsoud. (2022). Prerequisites, Facilitators and Barriers to Student Engagement in Iranian Universities of Agricultural Sciences: Qualitative Research. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 12 (39) 96-124 pages.

DOI: 10.22034/EMES.2022.526164.2227



© The Author(s).

Publisher: National Organization of Educational Testing (NOET)



پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشگاهی دانشجویان در آموزش

عالی کشاورزی ایران: مطالعه کیفی

زهرا تیموری کوهسار^۱، سعید محمدزاده^۲، مقصود فراستخواه^۳

۱. دانش‌آموخته‌ی مقطع دکتری آموزش کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ایران؛ (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: teimuri.zahra@yahoo.com
۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ایران. پست الکترونیک: sd.muhamad@gmail.com
۳. استاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران. پست الکترونیک: m_farasatkah@irphe.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشگاهی دانشجویان در آموزش عالی کشاورزی ایران بود.

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

روش پژوهش: این پژوهش دارای رویکرد کیفی بوده که به روش پدیدارشناسی انجام شد. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه شامل ۱۶ مدیر دانشگاهی و عضو هیئت علمی و ۲۲ دانشجوی سال‌های سوم و چهارم مقطع کارشناسی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان و دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه گنبدکاووس بودند که براساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف با حداکثر تنوع انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود و تحلیل داده‌ها براساس راهبرد هفت‌مرحله‌ای کلازی انجام شد.

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲
اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵
انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

یافته‌ها: تحلیل یادداشت‌های حاصل از مصاحبه به شناسایی ۱۸۲ گزاره مفهومی منجر شد. یافته‌ها مشتمل بر شش فرامضمون مربوط به پیش‌بایست‌های مشارکت فعال شامل ختم‌سازی، گذاری دانشجوی محور، امکانات فیزیکی، نظارت و مدیریت کارآمد، ویژگی‌های فردی، شهروندی فعال و فرهنگ‌سازی؛ شش فرامضمون مربوط به تسهیل‌کننده‌ها شامل سیستم مالی، سیستم اجرایی پویا، عوامل شناختی، نظام ارزیابی، نظام اطلاعات و ارتباطات؛ و پنج فرامضمون مربوط به موانع مشارکت فعال دانشجویان شامل موانع فردی، ساختاری/آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طبقه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج، الگوی مبتنی بر پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان دانشگاه در جهت جلب مشارکت بیشتر دانشجویان در فعالیت‌های دانشگاهی باشد تا از این طریق در جهت فراهم‌سازی پیش‌بایست‌ها، افزایش تسهیل‌کننده‌ها و رفع موانع موجود گام‌های صحیح، سریع، نظام‌مند و در عین حال بدون شتاب‌زدگی برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان کشاورزی، تحلیل محتوا، مطالعه کیفی، مشارکت فعال، یادگیری مشارکتی

استناد: تیموری کوهسار، زهرا. محمدزاده، سعید. فراستخواه، مقصود. (۱۴۰۱). پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشگاهی دانشجویان در آموزش عالی کشاورزی ایران: مطالعه کیفی. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۱۲ (شماره ۳۹)، ۹۶-۱۲۴ صفحه.

DOI: 10.22034/EMES.2022.526164.2227



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: سازمان سنجش آموزش کشور

مقدمه

جهان کنونی، جهان تغییر و تحول و دگرگونی‌ها است. به گفته پیتز دراکر؛ نخستین گام برای آماده‌سازی خود در عصر حاضر، به فراموشی سپردن دیروز است. بنابراین در محیط پرتلاطم امروز، ادامه کار دیروز به معنای درگیر کردن منابع کمیاب و از همه مهم‌تر نیروی انسانی توانمند در فعالیت‌هایی است که دیگر نتیجه‌ای ندارد. روش‌های گذشته، پاسخگوی مشکلات امروز و فردای سازمان و جامعه نیست. سازمان‌های امروز و آینده باید در واکنش به محیط، منعطف‌تر، در تبدیل ایده به عمل سریع‌تر و در اعمال تغییرات اساسی توانا تر باشند و این ویژگی‌های سازمان‌های پویا و فعال است (کلی و امبورگی^۱، ۲۰۱۷). مطالعات بوم‌شناختی در خصوص تطبیق سازمان‌ها با الزامات محیط متغیر، چگونگی شکست سازمان‌های منفعل و ساکن را نشان می‌دهد؛ چرا که این سازمان‌ها در پاسخ به نیازهای درک شده برای تغییر به صورت واکنشی و با تأخیر عمل می‌کنند. این حالت بی‌حرکی و تغییرناپذیری، "اینرسی" نامیده می‌شود (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۸). در علم فیزیک اصل اینرسی بیان می‌کند که اشیا تا زمانی که نیرویی به آنها وارد نشده به حالت سکون یا حرکت یکنواخت خود در مسیر پیش‌بینی شده ادامه می‌دهند (اسنل و دین^۲، ۲۰۱۷). این مفهوم در حوزه رفتار انسان نشان می‌دهد که افراد معمولاً برای مقابله با مشکلات از روش‌های همیشگی و ثابت استفاده می‌کنند (لیائو^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). بسیاری از افراد و دانشگاه‌ها همواره با این انتقاد مواجه هستند که چرا از روش‌ها و رویه‌های بسیار تکراری در انجام امور مربوطه استفاده می‌کنند و دچار نوعی سکون و بی‌حرکی هستند. دلیل و منشا اصلی این پدیده، ایجاد دانش ایستا و تجارب منسوخ شده گذشته، معمولاً به خاطر صرفه‌جویی در زمان و پرهیز از ریسک است؛ بنابراین، پدیده اینرسی را می‌توان تمایل و تلاش آگاهانه به ماندن در وضعیت موجود و مقاومت در مقابل نوسازی راهبرد جدید دانست (هوانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۳) و در آموزش عالی می‌توان از این مفهوم برای وصف راکد و بی‌فعالیتی برخی دانشجویان استفاده کرد که نتایجی جز کناره‌گیری و جدایی آنها از دانشکده، دانشجویان و استادان و کاهش تعاملات سازنده در محیط آموزشی ندارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹). نگاهی به نظام آموزش عالی جهت مقایسه نسل قدیم و جدید دانشجویان حاکی از آن است که دانشجویان نسل قدیم با شناسه‌هایی نظیر علاقه زیاد به یادگیری، تلاش برای خواندن کتاب‌های متعدد، وقت‌گذرانی در کتابخانه‌ها و تعامل با استادان همراه بود و در سوی دیگر دانشجویانی که در حال چانه‌زنی با اساتید جهت کم کردن حجم منابع در امتحانات، عدم تعامل مفید با دانشگاه و استادان، حفظ مطالب و فقدان چالش علمی و فقط اخذ مدرک معرف آنهاست. موضوع حاضر چالشی جهانی است و براساس تحقیقات صورت گرفته در آمریکا و استرالیا، سطوح فعالیت و درگیری‌های دانشجویی در آموزش عالی در حال کاهش است و نسل جدید به کیفیت نسل گذشته درگیر امور دانشجویی نیست. همچنین براساس مطالعات داساری و تانی^۵، دانشجویان آسیایی اعلام کرده‌اند که سطح نسبتاً پایینی از تعاملات، فعالیت‌ها و مشارکت‌های داخل کلاس را تجربه می‌کنند (منیعی و همکاران، ۱۳۹۶ به نقل از داساری و تانی، ۲۰۰۹).

استین^۶ در مطالعات خود بیان می‌کند که دانشجویان زمان کمی برای تعامل با استادان و دانشگاهیان سپری می‌کنند و حضورشان در کلاس‌ها کمتر شده و در مقابل غیبت‌های آنان افزایش یافته است. دانشجویان نسل جدید از دانشگاه انتظار دارند تا تمام شرایط را برای تحصیل آنان فراهم آورد تا مدارج تحصیلی خود را طی نمایند در حالی که آنان در رفتار تحصیلی و علمی ضعیف عمل می‌کنند (استین، ۱۹۸۴). در باب مشارکت تحصیلی دانشجویان، یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزشی، استفاده از روش‌های آموزش سنتی تدریس در مدارس و دانشگاه است. معمولاً مدرسان با تکیه بر روش‌های سنتی به ویژه سخنرانی، فراگیران را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند و فراگیران در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیت‌های چالش‌آور مواجه می‌شوند، فرصت‌های کمتری برای تعامل، هم‌فکری، همکاری و بحث و گفتگو مدرس با فراگیران و فراگیران با یکدیگر فراهم می‌شود (کتلر^۷، ۲۰۱۷). علاوه بر این، طبق تحقیقات انجام شده امروزه اکثر دانشجویان در کلاس‌های درس غیرفعال هستند، از طرف دیگر برای اساتید نیز مشکل است که تمام بار سنگین آموزش را به دوش کشیده و تسهیل‌کننده یادگیری باشند (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۲)، چرا که در سیستم سنتی آموزش، نقش مدرس به عنوان یک محور در ارائه محتوای درسی قرار دارد که نشان‌دهنده این مطلب است که برخی دانشجویان مشارکت‌های درون کلاسی پایینی دارند. مشارکت منفعلانه بیانگر آن است که دانشجویان نه در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کنند و نه علاقه‌ای به یادگیری دارند یعنی مقاومت

1 Kelly&Amburgey

2 Snell & Dean

3 Liao

4 Huang

5 Dasari and Tani

6 Astin

7 Kettler

می‌کنند که در دنیای خود باقی بمانند و این خطری جدی برای آموزش عالی تلقی می‌شود (بریسون و هاند، ۲۰۰۷). به همین دلیل محققان کشورهای مختلف برای درک عمیق این موضوع با انجام پژوهش‌های متعدد در صدد پاسخ به این سوالات هستند که دانشجویان در دانشگاه‌ها چه می‌کنند و مؤسسات آموزش عالی جهت فعالیت دانشجویان چه باید بکنند؟ بنابراین، توجه به مشارکت فعال دانشجویان از دو منظر اشاره شده یعنی میزان حمایت‌گری مؤسسات آموزش عالی و میزان رشد فردی خود دانشجویان دارای اهمیت است.

توسعه و رشد فردی دانشجویان مرحله‌ای بعد از دوران کودکی، دانش‌آموزی و نوجوانی است. جان دیویی^۲ (۱۹۲۶) آموزش و پرورش را فرایند مداوم تجربه‌کردن، بازسازی تجربه و همچنین توسعه ظرفیت‌های فردی معرفی می‌کند که او را قادر می‌سازد محیط و رسیدن به توانایی‌هایش را کنترل کند. لذا نظر به اینکه پیشرفت روند آموزش و پرورش در محیط فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و روانی رخ می‌دهد، محیط نقش مهمی در توسعه شخصیت دانش‌آموزان، دانشجویان و عملکرد آن‌ها و روابط دارد (لورنس و ویمال^۳، ۲۰۱۲). در این زمینه ویسگوتسکی^۴ رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی را بیان می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی هر فردی از واقعیت اجتماعی به عنوان منابع اولیه توسعه پیدا می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به مطالب یادشده، مشارکت فعال دانشجویان با موقعیت یادگیری او مرتبط است. یادگیری تعامل میان دانشجو و استاد است که منجر به تغییرات رفتاری نسبتاً پایدار و دائم در دانشجو می‌شود. یادگیری فرایند پیچیده‌ای است که عوامل گوناگونی در آن نقش دارد و همان‌طور که بیان شد زمینه و محیط دانشگاه در این فعالیت‌ها بی‌تأثیر نیست. یادگیری باید در محیطی صورت گیرد که ارائه‌کننده فرصت‌های تازه و جدید برای هر فراگیر باشد. چنین محیطی باعث می‌شود تا یادگیرنده، خود و محیط اطراف را با روش خود کشف کند که در این صورت رشد ذهنی یادگیرندگان قطعی خواهد بود (علی نوروزی و همکاران، ۱۳۹۴). عدم مشارکت فعال دانشجو زمانی رخ می‌دهد که محیط دانشگاه، موقعیت توسعه اجتماعی او نباشد. در این حالت شاید ذهن دانشجو توسعه یابد اما محیط دانشگاه و سایر عناصر یادگیری در آن نقشی ندارند. براساس نظریه ویسگوتسکی، فقدان مشارکت فعال دانشجویی می‌تواند به این دلیل باشد که محیط یادگیری، توسعه و رشد اولیه او را خلق نکرده است. چرا که اعمال و روش‌های آموزشی با این فرض در نظر گرفته شده است که یا دانشجو از نظر ذهنی توسعه یافته است و یا پیش شرط‌هایی برای توسعه می‌خواهند، اما تاکنون به آنها پاسخی داده نشده است (ویگوتسکی، ۱۹۸۱).

مشارکت فعال تحصیلی که شامل مشارکت فعال دانشجویی، یادگیری و درگیری تحصیلی می‌باشد، به عنوان رویکرد مهمی در سنجش کیفیت آموزش عالی شناخته شده است. تحولات عصر ارتباطات و جهانی شدن به خودی خود نیروی پیچیده‌ای است که تمام جنبه‌های نظام آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ هر چند جهانی شدن موجب حرکت به سوی همکاری، انسجام اجتماعی، توازن اجتماعی، شفافیت و برابری می‌شود و تعداد بیشتری از مخاطبان آموزش عالی را قادر می‌سازد تا به آموزش عالی دسترسی داشته باشند و در آن مشارکت کنند (الشارار^۵، ۲۰۱۸). در همان حال در این مسیر چالش‌های مالی و آموزه‌های مکاتب اقتصادی تأثیرگذار بر روند جهانی شدن، بر مقوله‌هایی نظیر رقابت، تجارت آزاد و سلطه رویکرد بازارمحور در آموزش عالی تأکید دارند و حساسیت نسبت به کیفیت فرایندها و برون‌دادهای دانشگاهی نیز افزایش می‌یابد (ملکی نیا و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش عالی ایران و بخصوص نظام آموزش عالی کشاورزی، در دو دهه گذشته با چالش‌های متعددی از جمله گسترش کمی دانشجویان و ضعف کیفیت آموزشی و عدم وجود انگیزه در دانشجویان به دلایل مختلف مواجه بوده است که در ادامه، بازار کار دانش‌آموختگان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا مهارت‌های عملی لازم جهت بکارگیری مشاغل حرفه‌ای به دانشجویان آموزش داده نمی‌شود، به این ترتیب کیفیت آموزشی در آموزش عالی کشاورزی نیز کاهش می‌یابد (موحدی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین مؤسسات آموزش عالی با مسأله کیفیت درگیر هستند. با توجه به بین‌المللی شدن آموزش عالی، اعضای هیأت علمی، مدیران آموزشی و دانشجویان، انتظارات بیشتری از بهبود و ارتقای مداوم کیفیت آموزشی، کیفیت یاددهی - یادگیری، پژوهش، فرایندها و برون‌دادهای آموزش عالی دارند.

مفهوم مشارکت فعال درک خاصی از ارتباط بین دانشجویان و دانشگاه است. تحقیقات در آموزش عالی نشان می‌دهد میزان مشارکت فعال دانشجویان در فعالیت‌های تحصیلی با پیامدهای یادگیری با کیفیت بالا ارتباط دارد (کوه و همکاران^۶، ۲۰۰۷؛ وانگ چو و همکاران^۷، ۲۰۱۵). دانشگاه محیطی است که زمینه و امکانات یادگیری را برای دانشجویان فراهم می‌کند و منجر به ایجاد یادگیری در آنان می‌شود، اما

1 Bryson & Hand

2 John Dewey

3 Lawrence & Vimala

4 Vygotsky

5 Alsharar

6 Kuh et al

7 Wang et al

مسئولیت یادگیری بیشتر بر عهده خود دانشجو است. میزان یادگیری به چگونگی استفاده دانشجویان از منابع فیزیکی بستگی دارد (کروز و کوتز^۱، ۲۰۰۸).

در نتیجه مشارکت فعال مثبت و محیط حمایتی تعاملی دانشگاهی، به عنوان یکی از عناصر اساسی موفقیت در فرایند یادگیری تلقی می‌شود (کوه^۲، ۲۰۰۳). به طوری که به‌کارگیری شیوه‌های آموزشی که مشارکت فعال دانشجویان را به همراه دارد جز روش‌های مؤثر در یادگیری محسوب می‌شود، لذا الگوهایی که دانشجو محور بوده و به فراگیر، نیازها و توانایی‌های او توجه خاص دارد می‌بایست در رأس توجه مدرسان و دانشگاه‌ها قرار گیرد تا نتایج مورد انتظار محقق گردد. این در حالی است که ویژگی غالب کلاس‌های دانشگاهی (استادمحور) باعث شده که ماهیت آموزش دانشگاهی را تا حدی شبیه آموزش مدرسه‌ای می‌نماید (کریستنسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). این روش منجر به انزوا، بیگانگی، عملکرد پایین، پیشرفت تحصیلی پایین، افزایش بزهکاری و ترک تحصیل دانشجویان و در نهایت منفعل بودن دانشجویان می‌شود که شکست و افت تحصیلی آنان را در پی دارد که توجه زیادی را به خود جلب کرده است (مان^۴، ۲۰۰۷، فردریکس^۵، ۲۰۱۵؛ چاپمن^۶ و همکاران، ۲۰۱۰).

صاحب‌نظران بر این باور هستند که دستیابی به توسعه تنها در سایه به‌کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته توسط شهروندان فعال حاصل می‌شود. اینجاست که با محدودیت‌های عصر جدید مفهوم شهروند و یادگیرنده فعال بیش از هر زمانی اهمیت پیدا می‌کند و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی راهی جز توجه به دانشجویان، تامین رضایت و تضمین پیشرفت آنان را ندارند. بنابراین، برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و جلوگیری از عقب‌ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای تولید و نقد دانش و فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح جامعه، دارای خلاقیت و کارآفرین، واجد تفکر انتقادی، توانمند در رویارویی با چالش‌های جدید، منضبط، دارای روحیه کار تیمی و حافظ محیط زیست پرورش دهند (موحدی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین باید در نظام آموزش عالی کشور تغییراتی رخ دهد تا شهروندان و دانشجویانی فعال تربیت شوند. در نتیجه برای دستیابی به کیفیت مطلوب آموزشی و توسعه نیاز به تغییر نقش دانشجو در نظام آموزش عالی و قرار گرفتن در بطن فعالیت‌ها و درگیری و مشارکت فعال آنان در زندگی دانشگاهی می‌باشد.

مفهوم مشارکت فعال دانشجویی چند دهه است که در ادبیات پژوهشی جهان مطرح شده است و دارای تاریخچه طولانی در آموزش عالی است (تتوچ^۷ و همکاران ۲۰۱۳). طبق نظر فردریکس^۸ و همکاران (۲۰۰۴) و اپلتون^۹ و همکاران (۲۰۰۶) مشارکت فعال دانشجویی سازه‌ای چند بعدی است که از ابعاد هیجانی (لذت بردن و علاقه‌مندی نسبت به فعالیت‌ها و چالش‌ها در موقعیت‌های تحصیلی)، شناختی (آمادگی برای فراگیری موضوعات درسی مختلف) رفتاری (حضور در دانشگاه، تلاش و پیروی از مقررات محیط آموزشی) و عاملی (شرکت دانشجو در امور آموزش) تشکیل شده است (چاپمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ فردریکس، ۲۰۱۵). همچنین مشارکت فعال دانشجویی بر اساس تعریف کوه (۲۰۰۳) نشان‌دهنده توان و زمانی است که دانشجویان به فعالیت‌های آموزشی اختصاص می‌دهند. این مفهوم از طریق مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های دانشجویی مؤثر سنجیده می‌شود (اشوین و مک ویتی^{۱۰}، ۲۰۱۵) و به طور خاص اشاره به تعامل میان زمان، تلاش و کوشش و دیگر منابع مرتبط دارد که توسط دانشجویان و مؤسسات آنها به‌طور هدفمند به سوی بهینه‌سازی تجربیات دانشجویی و افزایش برون‌دادهای یادگیری و پیشرفت دانشجویان و عملکرد آنان و نیز اعتبار بخشی بیشتر به مؤسسات آنهاست (ترولر^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ نیکسون و ویلیامز^{۱۲}، ۲۰۱۴). همانطور که گفته شد یکی از چالش‌های مهم استادان در کلاس درس، متمرکز کردن توجه دانشجویان به موضوعات

- 1 Krause & Coates
- 2 Kuh
- 3 Christenson
- 4 Mann
- 5 Fredricks
- 6 Chapman
- 7 Teoha
- 8 Fredricks
- 9 Appleton
- 10 Ashwin & McVitty
- 11 Trowler
- 12 Nixon, & Williams

تدریس و کمک به یادگیری آنان است و از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مشارکت فعال آنان در فعالیت‌های دانشگاهی است. اصولاً بدون مشارکت فعال و درگیری دانشجویان در فعالیت‌های تحصیلی تحول مثبتی رخ نمی‌دهد و یادگیری عمیق اتفاق نمی‌افتد (استیل و فولادگار، ۲۰۰۹؛ زبکی، ۲۰۱۴).

بنابراین با توجه به اهمیت دوران تحصیل و نقش آن در آینده فرد و کشور، در این پژوهش با تعیین الگوی مشارکت فعال دانشجویان علوم کشاورزی شامل پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشجویان سعی شده است تا زمینه برنامه‌ریزی صحیح و سیاست‌گذاری در این حوزه را در جهت بهبود کیفیت آموزش عالی فراهم نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این راستا تعدادی از محققان برخی از موانع، تسهیل‌کننده‌ها و پیش‌بایست‌های (منظور برای آغاز فعالیت‌های مشارکتی دانشجویان و حضور فعال و ورود آنها به فعالیت‌ها یک‌سری عوامل پایه‌ای و زمینه اجرایی و کاربردی ضروری هستند) مشارکت دانشجویان را برشمرده‌اند که در ادامه به طور خلاصه شرح داده شده است.

پارادایم آموزشی «مشارکت فعال دانشجویان» ریشه در فلسفه جان دیویی^۳ (۱۸۹۷) دارد. بطور خاص مقوله فعالیت‌های دانشجویی از میانه ۱۹۹۰ در تحقیقات گوناگون مورد توجه بوده است. اما آغاز توجه به آن، به یک دهه قبل‌تر و تحقیق الکساندر آستین^۴ در ۱۹۸۴ که بر موضوع درگیری‌های دانشجویی متمرکز بوده است، بر می‌گردد (آستین، ۱۹۸۴). این اصطلاح به تعامل میان زمان، کوشش و منابع مهم دیگر توسط دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی اشاره دارد که به صورت هدفمند به دنبال بهینه‌سازی تجربه‌های دانشجویی و افزایش برون‌دادهای یادگیری و در نهایت توسعه عملکرد دانشجویان و نیز اعتباربخشی به آن مؤسسات است. پیدایش اصطلاح مشارکت فعال دانشجویی به طور خاص ریشه در تاریخ مطالعات پژوهشگران آمریکای شمالی و استرالیا دارد که در قالب پژوهش‌های ملی انجام شده است (کروز و کوتز^۵، ۲۰۰۸). برجسته‌ترین نویسندگان این حوزه جورج کوه^۶ و همیش کوتز^۷ هستند که با سازمان‌هایی که این تحقیقات ملی را در سطح دانشگاه‌ها یا شرکت‌های خصوصی توسعه، اجرا و حمایت کرده‌اند، فعالیت داشته‌اند.

تایلر و پارسونز^۸ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان تقویت مشارکت فعال دانشجویی به بررسی ادبیات نظری این موضوع پرداختند. بررسی‌ها نشان داد که تعداد تحقیقات انجام شده در زمینه مشارکت فعال دانشجویی در حال افزایش است و از سوی دیگر به جای توجه به دانشجویانی که مشارکت فعال ندارند و یاد نمی‌گیرند، تمرکز بر دانشجویانی است که مشارکت فعال و یادگیری دارند. همچنین مطالعات انجام شده قبلی بیشتر بر دانشجویانی که ترک تحصیل می‌کردند و مجدداً به تحصیل باز می‌گشتند متمرکز بود، در حالی که امروزه بیشتر بر نیازهای یادگیری دانشجو و چگونگی تطابق مؤسسه آموزشی با آنها پرداخته می‌شود.

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش در مطالعات مختلف کاستی‌ها، نقاط ضعف و قوت‌هایی قابل مشاهده است به این صورت که در تحقیق‌های گوناگون، مسائل مختلفی مورد توجه بوده است. در نگاهی کلی با توجه به بررسی‌های مختلف می‌توان عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان را عوامل مدیریتی، ارتباطی، اجتماعی و مالی، شخصیتی و روانی و فرهنگی نام برد (بولز و ولان، ۲۰۱۷؛ فروزنده و همکارانش، ۱۳۹۰؛ جهانیان، ۱۳۸۹) و البته قابل ذکر است عوامل دیگری مانند عوامل اقتصادی، فیزیکی و ... می‌توانند نقش مهمی در مشارکت فعال داشته باشند، که در این پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است.

1 Steele & Fullagar

2 Zepke

3 John Dewey

4 Astin

5 Krause & Coates

6 George Kuh

7 Hamish Coates

8 Taylor & Parsons

جدول ۱. خلاصه‌ی از تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع مورد مطالعه

پژوهشگر	سال انجام پژوهش	یافته‌های پژوهش
بولز و ولان ^۱	۲۰۱۷	-عامل‌های آشنایی با مفاهیم و دانش، برنامه‌ریزی درست آموزشی، ارتباطات، اجتماعی شدن و همکاری، تعاملات، اعتبارات و درک استفاده درست و آسان، وضوح اهداف و رهیافت‌ها، مستقل و عامل بودن دانشجویان، کیفیت محتوا به عنوان عوامل تسهیل‌کننده و تأثیرگذار بر مشارکت فعال دانشجویان
بودی آستوتی و همکاران ^۲	۲۰۱۶	-ویژگی‌های دانشجو و عوامل درونی، مؤثر بر مشارکت فعال دانشجو و موفقیت آنان. -عوامل بیرونی، مؤثر بر درگیری دانشجویان و بر موفقیت آنان تأثیر نمی‌گذارد.
هاگ ^۳	۲۰۱۴	-تمایل به سکون یا اینرسی دانشگاهی و تمایل نداشتن به مشارکت و یادگیری را مهم‌ترین عامل عدم تطبیق کارکنان با فناوری‌های جدید به ویژه فناوری اطلاعات
دونبار ^۴	۲۰۱۲	-وضعیت اجتماعی اقتصادی، توجه به نیازهای فرهنگی دانشجویان، عوامل فرهنگی مشابه به عنوان عوامل تسهیل‌کننده مشارکت فعال و -عوامل مالی و مدیریتی از موانع مشارکت فعال دانشجویان
راسل و آراسلیتر ^۵	۲۰۱۱	در تحقیق خود مدل مفهومی با چهار درون‌مایه: انگیزه و اختیار؛ مشارکت فعال معاملاتی؛ حمایت نهادی و شهروندی فعال ارائه داد. یافته‌ها نشان داد که عوامل شناسایی شده در سه درون‌مایه اول مدل مفهومی نقش مهمی در مشارکت فعال دانشجویان در یادگیری دارند. ولی درون‌مایه شهروندی فعال، در پاسخ دانشجویان اهمیت کمتری داشته و جنبه‌ای از مشارکت فعال است که می‌تواند از تحقیقات بیشتر بهره‌مند شود.
سپهوند و همکاران	۱۳۹۸	- نبود فضای رقابتی و نحوه ارزیابی عملکرد به صورت تساوی، محور پایه‌های بنیادین مدل اینرسی در دانشگاه لرستان می‌باشد. -متغیرهای بنیادگرایی، عدم درک درست از تغییرات محیطی، انجماد فکری، عدم تمایل به یادگیری، ترس و روحیه محافظه‌کاری، استرس و اضطراب از ایجاد تغییر، قوانین و الزامات قانونی، دفاع روان-شناختی به عنوان عوامل تأثیرگذار در اینرسی و سکون دانشجویان دانشگاه لرستان و موانع مشارکت آنان در فعالیت‌ها و یادگیری
دادی‌پور و همکاران	۱۳۹۶	- بیشترین موانع از دیدگاه دانشجویان نداشتن مهارت کافی در انجام تحقیق، دانش ناکافی از متودولوژی و روش تحقیق، آشنا نبودن به اصول آماری، عدم دسترسی به منابع کسب اطلاعات - تقویت‌کننده مشارکت دانشجویان و انجام پژوهش، ایجاد انگیزه از طرف مسئولین و اساتید، در دسترس قرار دادن نیروهای مشاور متخصص و پژوهشگر، جبران کمبود امکانات و تجهیزات و اصلاح شیوه‌های اداری
بلوردی و بلوردی	۱۳۹۱	- عوامل فردی چون فایده‌گرایی، بیگانگی و رضایت از زندگی و عوامل اجتماعی چون تقابل ارزش‌ها، افول باورهای دینی و اعتماد اجتماعی می‌توانند تقویت‌کننده و موانع روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان در دانشگاه باشند - اعتماد یکی از پیش‌شرط‌های مهم و اصلی مشارکت دانشجویان در فعالیت‌ها می‌باشد.
فروزنده و همکاران	۱۳۹۰	- چهار عامل شخصیتی-روانی، ماهیتی، ارتباطی-زمانی و عامل مدیریتی رو به عنوان عوامل مؤثر و تقویت‌کننده مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام

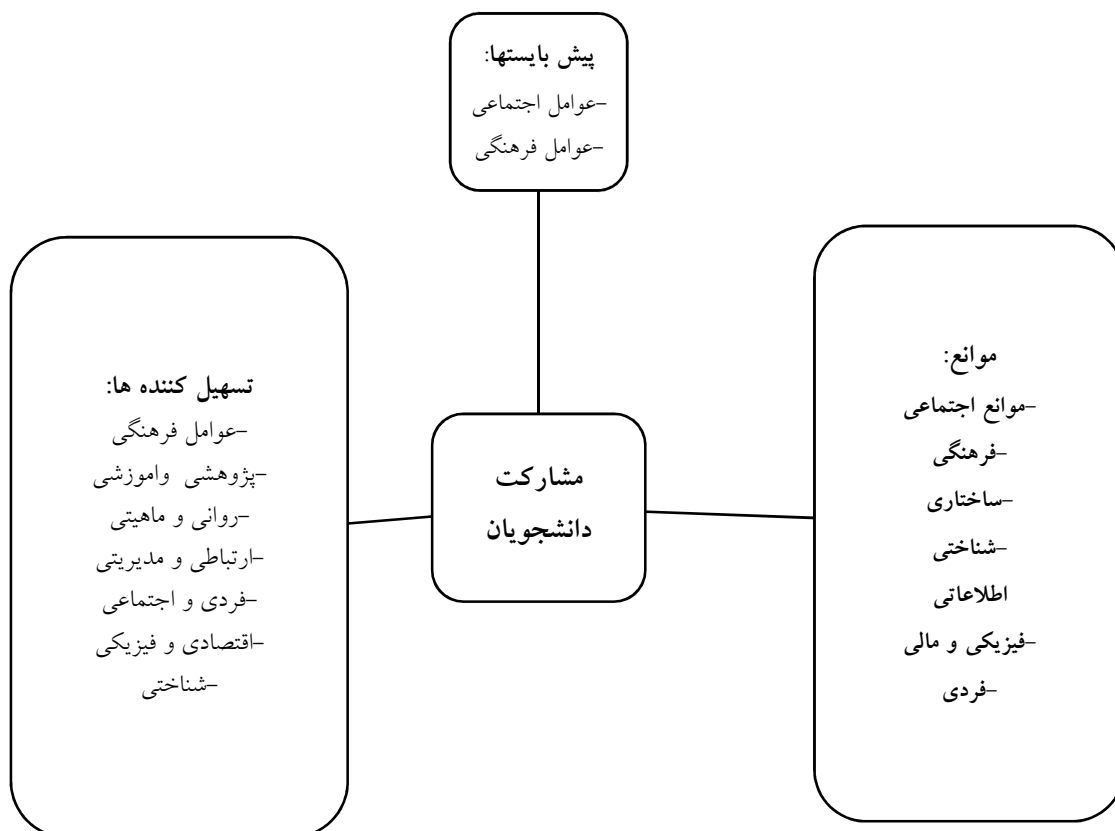
- 1 Boles & Whelan
- 2 Budi Astuti et al.
- 3 Haag
- 4 Dunbar
- 5 Russell & Slater

جهانیان	۱۳۸۹	- تسهیل‌کننده مشارکت دانشجویان: عوامل فرهنگی، پژوهشی و آموزشی
زمانی و عظیمی	۱۳۸۳	- موانع مشارکت: عدم آماده‌سازی دانشجویان برای پژوهش، نبود روحیه پژوهشگری و تحقیق، عدم دسترسی کافی به منابع اطلاعات، نبود فرهنگ مشارکت و روحیه علم‌گرایی، کمبود تعامل علمی دانشجویان با استادان و اهمیت ندادن به پژوهش در دانشگاه‌ها و نداشتن سواد رایانه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات
سپهری	۱۳۷۴	- موانع و محدودیت‌های مشارکت را در ۳ قلمرو اجرایی شامل (برنامه‌ریزی متمرکز، فقدان هماهنگی و ساختار، توزیع نامناسب)، موانع فرهنگی شامل (جهل، خودخواهی و خودمحوری، عدم کنجکاوی، فقدان همدلی، عدم اعتماد حس حقارت) و موانع ساختاری

شایان توجه است در مطالعات پژوهشگرانی چون بودی استوتی و همکاران (جدول ۱)، فقط به (عوامل درونی و بیرونی فردی) و یا در تحقیق هاگ فقط به (عوامل انگیزشی) پرداخته شده است و به سایر عوامل که در بالا بیان شد اشاره‌ای نشده است. بنابراین نیاز به بررسی عمیق‌تر و مستندتر عوامل تأثیرگذار بر مشارکت فعال دانشجویان به خوبی حس می‌شود. همچنین مطالعات نشان داد که موانع اجرایی (سپهری، ۱۳۷۴)، فرهنگی (سپهری، ۱۳۷۴)، ساختاری (سپهری، ۱۳۷۴)، شناختی (زمانی و عظیمی، ۱۳۸۳؛ هاگ، ۲۰۱۴)، مالی و مدیریتی (دونبار، ۲۰۱۲) (جدول ۱)، از مهم‌ترین موانع مشارکت در دانشگاه می‌باشند. این نکته مرکز توجه است که در هر تحقیقی فقط جنبه خاصی مورد مطالعه قرار گرفته است و پژوهشی که به طور کامل موانع مشارکت را بررسی کرده باشد انجام نشده است و این خلا مطالعاتی احساس می‌شود.

در نهایت با مرور پیشینه‌ی موضوع در زمینه پیش‌بایست‌های مشارکت فعال مشخص شد مطالعات چندانی خصوصاً در خصوص دانشجویان کشاورزی صورت نگرفته است. از این رو در این تحقیق برآن شد تا با مطالعه دقیق‌تر، پیش‌بایست‌های مشارکت فعال شناسایی و تفسیر شوند. از آنجا که تحقق هدف تربیت نیروی انسانی متخصص و فعال، برای آینده هر جامعه‌ای امری خطیر است، پژوهش حاضر سعی دارد به شناسایی عوامل مؤثر، موانع و پیش‌بایست‌های مشارکت فعال دانشجویان کشاورزی بپردازد. در این راستا سه پرسش مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- به نظر شما پیش‌بایست‌های مشارکت فعال دانشجویان کشاورزی در دانشگاه چیست؟
- ۲- چه تسهیل‌کننده‌هایی برای مشارکت فعال دانشجویان کشاورزی وجود دارد؟
- ۳- چه موانعی برای مشارکت فعال دانشجویان کشاورزی وجود دارد؟



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی بوده که به روش پدیدارشناسی انجام شده و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است. با توجه به این روش، پرسش‌های مصاحبه از قبل مشخص شد و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده شد. سعی شد آزادی عمل آنها در ارائه پاسخ خود به هر طریقی که می‌خواهند فراهم شود. البته در راهنمای مصاحبه، جزئیات مصاحبه، شیوه بیان و ترتیب آنها ذکر نشد. این موارد طی فرایند مصاحبه طی شدند.

در مصاحبه‌ها نیز مانند سایر ابزارهای گردآوری داده‌ها، کشف سازه‌ها، مفاهیم، مضامین و ویژگی‌های برجسته یک موضوع و پی بردن به الگوی علی یا رابطه‌ها در خصوص پژوهش مدنظر بود (کریمی و نصر، ۱۳۹۲). بر این اساس ابتدا فهرستی از متخصصان این حوزه، تهیه و با توجه به هدف‌های پژوهش، ۳ پرسش، پاسخ باز طراحی و برای آنها ارسال شد. به مشارکت‌کنندگان در پژوهش توضیح کافی داده شد که تعهدات اخلاقی تحقیق حاضر اکیداً بر این قرار گرفته است تا شواهد به‌دست‌آمده و متن تحریر شده‌ی مصاحبه‌ها صرفاً مورد استنباط و تجزیه و تحلیل علمی واقع خواهد شد و هدف گسترش و تعمیق شناخت علمی و بهبود کیفیت در حیطه مطالعات تخصصی آموزش عالی کشاورزی در ایران است و در این تحقیق بخصوص تمرکز و تأکید بر درک و نظر دانشجویان، اساتید و مدیران درباره‌ی پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشجویی است. نمونه‌گیری به روش هدفمند با حداکثر تنوع انجام شد. بدین ترتیب که نمونه هدفمندی با رعایت تنوع در گرایش کشاورزی، مقطع تحصیلی، جنس، بومی و غیربومی بودن، اقامت یا عدم اقامت در خوابگاه و سایر مشخصات مربوط به قشربندی اجتماعی، سبک زندگی و تیپ مذهبی یا غیرمذهبی و مانند آن برای انجام مصاحبه، نهایی شد و تا اشباع داده‌ها یعنی زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند با ۳۸ نفر (۲۲ نفر دانشجوی، ۱۰ نفر استاد و ۶ نفر مدیر) مصاحبه عمیق صورت گرفت؛ به این معنی که در این مرحله، مشخص شد که ورود افراد جدید اطلاعات تازه‌ای به اطلاعات افراد قبلی اضافه نخواهند کرد.

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

جنسیت	دانشگاه	گروه آموزشی	جنسیت	دانشگاه	گروه آموزشی

شماره	مرد	زن	شرکت کننده		مرد	زن
			مرد	زن		
۱	*	*	۲۰	اصلاح نباتات	دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران	اصلاح نباتات
۲	*	*	۲۱	زراعت	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	اصلاح نباتات
۳	*	*	۲۲	مکانیزاسیون کشاورزی	علوم کشاورزی و منابع طبیعی اهواز	ترویج و آموزش کشاورزی
۴	*	*	۲۳	زراعت	دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران	اصلاح نباتات
۵	*	*	۲۴	مکانیزاسیون کشاورزی	دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران	علوم دام
۶	*	*	۲۵	اصلاح نباتات	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	زراعت
۷	*	*	۲۶	ترویج و آموزش کشاورزی	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	ترویج و آموزش کشاورزی
۸	*	*	۲۷	مهندسی آب	علوم کشاورزی و منابع طبیعی اهواز	ترویج و آموزش کشاورزی
۹	*	*	۲۸	مهندسی آب	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گنبد کاووس	زراعت
۱۰	*	*	۲۹	مهندسی آب	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	مکانیزاسیون کشاورزی
۱۱	*	*	۳۰	علوم دام	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گنبد کاووس	ترویج و آموزش کشاورزی
۱۲	*	*	۳۱	ترویج و آموزش کشاورزی	علوم کشاورزی و منابع طبیعی اهواز	علوم دام
۱۳	*	*	۳۲	زراعت	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گنبد کاووس	مهندسی آب
۱۴	*	*	۳۳	مکانیزاسیون کشاورزی	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	علوم دام
۱۵	*	*	۳۴	علوم دام	دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران	مهندسی آب
۱۶	*	*	۳۵	مکانیزاسیون کشاورزی	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	مکانیزاسیون کشاورزی
۱۷	*	*	۳۶	علوم دام	علوم کشاورزی و منابع طبیعی اهواز	ترویج و آموزش کشاورزی
۱۸	*	*	۳۷	زراعت	علوم کشاورزی و منابع طبیعی اهواز	ترویج و آموزش کشاورزی
۱۹	*	*	۳۸	علوم دام	علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	زراعت

با رضایت شرکت کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و سپس مکتوب شد تا در مرحله بعد مورد تحلیل قرار بگیرد. برای جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی در فرایند آوانویسی (برگرداندن صدا به نوشتار) نکات مبهم نیز یادداشت و از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تا در صورت امکان توضیحات بیشتر و شفاف‌تری ارائه دهند. در فرایند مصاحبه با توجه به ماهیت آن، تلاش بر آن بود که مشارکت‌کنندگان بیشتر خود هدایت

بحث را بر عهده داشته باشند و پژوهشگر از جهت‌دادن به گفته‌های مشارکت‌کنندگان و جهت‌گیری خاص نسبت به آنها پرهیز کند. محل مصاحبه‌ها با رعایت آسایش شرکت‌کنندگان به صورت حضوری یا گفت‌وگوی برخط (آنلاین) تنظیم شد و مدت زمان مصاحبه‌ها از ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بوده است. در این روش ابتدا مصاحبه‌ها ضبط و ثبت شده و پس از پیاده‌سازی چندین بار خوانده شد که در ادامه تجزیه و تحلیل و به عبارتی تفسیر و اکتشاف یافته‌های حاصل از مصاحبه بر اساس راهبرد هفت مرحله‌ای کلازی (خواندن دقیق همه توصیف‌ها و نظرات مهم شرکت‌کنندگان، استخراج عبارات مهم و مرتبط با پدیده مورد نظر، مفهوم‌بخشی به جملات مهم استخراج شده، مرتب‌سازی توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در خوشه‌بندی‌های خاص، تبدیل نظرات استنتاج شده به توصیفات جامع و کامل، تبدیل توصیفات کامل پدیده به توصیفی واقعی و مختصر، مراجعه به شرکت‌کنندگان برای تبیین ایده‌های به دست آمده و اعتباربخشی نهایی یافته‌ها) صورت پذیرفت. یکی از مهم‌ترین اقدامات برای تعیین روایی یافته‌ها و قوت بخشیدن به مطالعات کیفی "عودت یافته‌ها به اعضای نمونه" است؛ بنابراین برای تضمین قابلیت اعتبار نتایج، بخش‌هایی از طبقات و گزاره‌های استخراج شده به ده نفر از شرکت‌کنندگان (۲ نفر مدیر، ۴ نفر استاد و ۴ نفر دانشجو) عودت داده شد و از آن‌ها سؤال شد آیا به نظرتان این یافته‌ها دلالت بر عقاید شما دارد؟ صحت طبقات و مضامین توسط همه این افراد مورد تأیید قرار گرفت و تغییرات لازم داده شد و در نهایت سعی شد مقوله‌های کلی (فرامضمون‌ها) به عنوان محورهای اصلی استخراج شوند. در این پژوهش بر اساس اصول و چارچوب عملی آن در حد امکان، به آشکار کردن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه اقدام شد. بر این اساس با مرور ادبیات پژوهش، درباره‌ی اینکه چه موضوعات و مفاهیمی باید برای رمزگذاری انتخاب شوند، تصمیم‌گیری و مفاهیم مرتبط با آنها از داده‌های حاصل از مصاحبه استخراج شد.

یافته‌ها

در پاسخ به ۳ سؤال اصلی پژوهش «۱. به نظر شما پیش‌بایست‌های مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه چیست؟»، «۲. چه تسهیل‌کننده‌هایی برای مشارکت فعال دانشجویان وجود دارد؟»، «۳. چه موانعی برای مشارکت فعال دانشجویان وجود دارد؟» در مرحله‌ی نخست، پس از پیاده‌سازی مطلب‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، کدهای اولیه داده‌ها نوشته شد. از این کدهای اولیه ۶۲ گزاره مفهومی مربوط به پیش‌بایست‌ها مشارکت فعال، ۶۳ گزاره مفهومی مربوط به تسهیل‌کننده‌ها و ۵۷ گزاره مفهومی مربوط به موانع یا بازدارنده‌های مشارکت فعال استخراج شد. پس از خوشه‌بندی کدهای اولیه و حذف موارد تکراری و ... مجدداً متن مصاحبه‌ها بازبینی و با مضمون‌های مستخرج مطابقت داده شد. در پایان این مرحله به نظر رسید که این مفهوم‌های کلیدی، سوالات را در سویگان مختلف پوشش داده و نیازی به مراجعه بعدی به نمونه‌های مورد بررسی وجود نداشت به بیان دیگر، اعتبار درونی داده‌ها در این مرحله مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد، گزاره‌های مفهومی در قالب ۶ فرامضمون مربوط به پیش‌بایست‌های مشارکت فعال، ۶ فرامضمون مربوط به تسهیل‌کننده‌ها و ۵ فرامضمون مربوط به موانع مشارکت فعال طبقه‌بندی شدند (جداول ۲، ۳ و ۴).

جدول ۳. گزاره‌های مفهومی و مضمون‌های بدست آمده از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها (پیش‌بایست‌های مشارکت فعال)

گزاره‌های مفهومی	مضمون‌ها	فرامضمون‌ها	تعریف فرامضمون	روایت مشارکت‌کنندگان
جای دادن آموزش مهارت‌های مشارکت در برنامه‌های آموزشی				
تدوین اهداف با محوریت مشارکت فعال دانشجو				
تاکید آموزشگران بر روی یادگیری با روش مشارکتی، به جای تمرکز بر حجم مطالب				
کاهش ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های کشاورزی (به جای کمیت‌گرایی، کیفیت سرلوحه امور قرار گیرد)	اهداف و برنامه - ریزی صحیح	خط‌مشی - گذاری	نظام خط‌مشی‌گذاری شامل سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مقررات‌گذاری و فعالیت‌های اجرایی، نظارتی و نیز ساختار و الزامات آن که در پی تدوین و اجرای آنها دانشجو همزمان با مسئولین حضور داشته باشد.	استادی گفت: «از لازمه‌های مشارکت فعال ایجاد هدف است»
مهیا کردن شرایط توسط آموزشگر و دانشگاه برای پژوهش فردی و گروهی دانشجویان		دانشجو محور		دانشجویی ذکر نمود: «بهتر است از من دانشجو در برنامه‌ریزی جهت زمان کلاس‌ها، تاریخ و نحوه برگزاری امتحانات و ارزیابی‌ها و سایر امور استفاده شود»
تخصیص زمان و تخصص برای پرورش حس شایستگی و صلاحیت در دانشجویان				
توجه به ویژگی‌های علمی، مهارتی و شخصیتی اساتید هنگام انتخاب دروس جهت تدریس				
حضور نماینده دانشجویان تحصیلات تکمیلی از هر گرایش در جلسات تصمیم‌گیری آموزشی	عاملیت دانشجو			
مشارکت دانشجو در برگزاری جلسات نقد و بررسی آئین نامه‌های آموزشی	در تصمیمات			

مضمون‌ها	فرازمضمون‌ها	تعریف فرازمضمون	روایت مشارکت‌کنندگان
گزاره‌های مفهومی			
دریافت نظر دانشجویان در برنامه‌ریزی، زمان‌بندی کلاس‌ها و امتحانات			
ارائه محتوای آموزشی متناسب با نیازهای دانشجویان			
ایجاد مراکز رشد علم و فناوری (ایجاد مراکز حمایتی با هدف توسعه علمی و رونق بازار تحقیق و توسعه و پرورش کسب و کار)			
وجود واحدهای حمایتی از امور فکری و خلاقیت			
ایجاد بستر مشارکت از طریق فراهم آوردن ابزار و مکان کارهای عملی و گروهی			
حفظ کمیت و پراکندگی مراکز آموزشی در دانشگاه			
وجود تشکلهای متنوع و با امکان تشکیل گروه‌های دانشجویی			
ایجاد مراکز مشاوره و آموزش			
امکانات کمک-آموزشی			
مدیریت بیان نمود: «عوامل بسیاری وجود دارند که در کنار تحصیل می‌توانند عاملی جهت افزایش بازدهی در یادگیری شوند. در راستای نیل به این هدف دانشگاه باید سعی در مهیاسازی شرایطی داشته باشد که طی آن دانشجویان با بهره‌گیری از اکثر امکانات تفریحی و رفاهی اوقات خوشی را سپری کنند و انگیزه برای فعالیت داشته باشند»	دانشگاه‌ها و فضای کالبدی آنها سرمایه‌های ملی هستند که همواره توسط افراد و گروه‌های کثیری مورد استفاده قرار می‌گیرد لذا در نظر گرفتن استانداردهای فضایی لازم در جهت کمک به طراحی فضاهای مورد نیاز دانشگاهی می‌تواند کمک فراوانی در امر آموزش و رفاه حال استفاده‌کنندگان از فضا بالانحص دانشجویان داشته باشد. بدیهی است با رعایت ضوابط و استانداردها امکان ارائه خدمات آموزشی به نحو مطلوب‌تر انجام شده و در نتیجه تأثیر مثبت آن در ارتقا علمی جامعه پدیدار خواهد شد.	کنار تحصیل می‌توانند عاملی جهت افزایش بازدهی در یادگیری شوند. در راستای نیل به این هدف دانشگاه باید سعی در مهیاسازی شرایطی داشته باشد که طی آن دانشجویان با بهره‌گیری از اکثر امکانات تفریحی و رفاهی اوقات خوشی را سپری کنند و انگیزه برای فعالیت داشته باشند»	مدیریت بیان نمود: «عوامل بسیاری وجود دارند که در کنار تحصیل می‌توانند عاملی جهت افزایش بازدهی در یادگیری شوند. در راستای نیل به این هدف دانشگاه باید سعی در مهیاسازی شرایطی داشته باشد که طی آن دانشجویان با بهره‌گیری از اکثر امکانات تفریحی و رفاهی اوقات خوشی را سپری کنند و انگیزه برای فعالیت داشته باشند»
امکانات رفاهی			
تامین امکانات رفاهی مثل خوابگاه، کتابخانه، سایت و.. جهت کاهش دغدغه‌های دانشجویان			
فعال بودن واحد نظارت و ارزیابی عملکرد و ارائه خدمات پشتیبانی			
قابلیت‌های رهبری و مدیریت کارآمد و مؤثر			
قابلیت‌های داخلی سازمان برای ترغیب دانشجویان به مشارکت			
جذب اعضای علمی و تخصصی متناسب با تعداد دانشجویان			
معرفی مدرسانی که تدریسشان بر مبنای یادگیری فعال بوده است و در نظر گرفتن پاداش و تشویق برای آنها.			
توجه مدیران به ارتقا دانش، نگرش و مهارت‌های گروهی و مشارکتی دانشجویان			
تمرکز بر مشارکت فعال دانشجو در استراتژی‌های دانشگاه			
تعریف سازوکار تشویقی نظام‌مند و منعطف پرداختی‌ها مبتنی بر شایستگی‌ها			
وجود استانداردها و الگوهای مطلوب تخصصی			
تدوین مقررات حمایتی و تسهیلگر برای مشارکت دانشجویان			
شفاف‌سازی فعالیت‌ها توسط دانشگاه			
ملزم کردن آموزشگران به استفاده از روش‌های نوآورانه در آموزش			
تعیین الزام برای برگزاری جلسات مناظره کلاسی و دوره‌های عملی و کارآموزی			
فراهم کردن فعالیت‌هایی که نیازمند تشکیل گروه‌های کوچک در کلاس‌ها می‌باشد.			
سیاست‌های حمایتی			
نظارت و مدیریت کارآمد			
باید کلیه دانشجویان در کنار مدیران و مسئولان دانشگاهی در نظارت و امور مدیریتی مشارکت داشته باشند. اعضای که فواید و اهداف نظارت را می‌دانند و منافع خود، دستگاه، گروه و صنف و جامعه خود را در آن باور دارند، مشارکتشان، نظارت و کنترل عملکرد افراد را کم هزینه و کاراتر خواهد کرد که این موضوع در باب دانشجویان نیز صدق می‌کند. همه دانشجویان باید باور داشته باشند و بفهمند که در توسعه دانشگاه خود و در نهایت کشورشان سهیم و مؤثرند و مشارکت دارند.	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»
مقررات و فرایندها			
مدیریت کارآمد			
باید کلیه دانشجویان در کنار مدیران و مسئولان دانشگاهی در نظارت و امور مدیریتی مشارکت داشته باشند. اعضای که فواید و اهداف نظارت را می‌دانند و منافع خود، دستگاه، گروه و صنف و جامعه خود را در آن باور دارند، مشارکتشان، نظارت و کنترل عملکرد افراد را کم هزینه و کاراتر خواهد کرد که این موضوع در باب دانشجویان نیز صدق می‌کند. همه دانشجویان باید باور داشته باشند و بفهمند که در توسعه دانشگاه خود و در نهایت کشورشان سهیم و مؤثرند و مشارکت دارند.	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»	یکی از استادان گفت: «فرهنگ کارآمد نظارت در یک محیط انگیزش ایجاد می‌کند؛ یعنی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از انجام و رعایت قوانین و مقررات لذت می‌برند، پس باید با آموزش، تبلیغ، ترویج و عمل به آن، این فرهنگ را در دانشگاه برای دانشجویان ایجاد کنیم»

گزاره‌های مفهومی	مضمون‌ها	فرامضمون‌ها	تعریف فرامضمون	روایت مشارکت‌کنندگان
انگیزه‌های درونی مثل پشتکار، تعهد و ... احساس مسؤولیت دانشجویان انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری دانشجویان خوش اخلاقی آموزشگران توجه آموزشگر به نحوه یادگیری و مطالعه فراگیران و اصلاح به هنگام آن هدفمند بودن دانشجو/استاد داشتن روحیه مشارکت جویی اشتیاق به خدمت به خود و جامعه داشتن علاقه و انگیزه برای تدریس و یادگیری حس تعلق به دانشگاه علاقه به حضور در جمع	ویژگی‌های رفتاری	ویژگی‌های فردی	منظور خصوصیات رفتاری دانشجویان شامل بیان، تلاش، دقت، استمرار، مشارکت، انعطاف‌پذیری، حضور و درگیری در فعالیت و خصوصیات و ویژگی‌های هیجانی مانند علاقه، لذت یا احساس تعلق به فعالیت‌ها	استادی ذکر کرد: «تنها راه تقویت حس مسئولیت و ایجاد هدف است.» مدیری بیان داشت: «دانشجویان برا مشارکت باید روحیه مشارکت‌جویی داشته باشند و حس وابستگی به دانشگاه محل تحصیل خود داشته باشند تا بتوانند در فعالیت‌های دانشگاه همکاری داشته باشند»
وجود روابط سازنده بین دانشجویان و مدیران، اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه تعامل و ارتباط دانشجویان با یکدیگر همفکری و ارائه نظرات در کلاس تعامل و روابط دانشجویان و اساتید به صورت کلامی و غیر کلامی در فعالیت‌های تدریس و یادگیری احترام به قوانین و افراد آموزش و تاکید بر احترام متقابل تشویق دانشجویان به همکاری	تعاملات سازنده	شهروندی فعال	با در نظر گرفتن سطح سرمایه-گذاری عمومی در آموزش عالی در نظام‌های آموزشی انتظار می-رود تا دانشگاه‌ها تعهد روشنی به فرهنگ شهروندی را از خود نشان دهند. این امر شامل ترغیب و آشناسازی دانشجویان به درک اهمیت شهروندی فعال از طریق برنامه‌ریزی‌های آموزشی است. و به طور معمول ارائه برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی باید با این فرض باشد که دانشجویان به شهروندانی نقاد، متفکر و اهل مشورت تبدیل می‌شوند که می-توانند فهم و مشارکت سازنده‌ای در جامعه داشته باشند.	دانشجویی گفت: «نظام تشویق در دانشگاه برقرار شود و امتیازات مادی و معنوی و لو اندک به دانشجویان داده شود و همچنین ارتباط دوستانه و برخورد نیک بین دانشجویان و مسئولین و اساتید دانشگاه برقرار شود» دانشجویی دیگر گفت: «من آدمم دانشگاه یکی اینکه استاد رو ببینم و اینکه دیالوگ خیلی زیادی داشته باشم با کسانی که شبیه به خودم فکر می‌کنند و تصور من ارتباطات گسترده بین دانشجویان و تشکیل گروه-های دانشجویی برای پیشبرد کارهای درسی مان بود»
فرهنگ‌سازی مناسب پدیده مشارکت در بین دانشجویان خلاقیت و نوآوری فرهنگی دانشگاه برنامه‌ریزی منسجم فرهنگی توام با آرشبو تجارت کاری تبلیغات جذاب جهت جلب مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های جانبی دانشگاه ارتقا فرهنگ سازمانی (ارتقا ارزش‌ها، باورها و مفروضات به اشتراک گذاشته شده بین دانشجویان، اساتدان، مدیران و کارکنان در دانشگاه) تشکیل انجمن‌های دانشگاهی مختص دانشجویان غیر بومی در جهت کمک به سازگاری فرهنگی آموزش و انتقال فرهنگ به دانشجویان نظارت بر عملکرد اجتماعی همه دانشجویان توجه برابر به خرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های دانشجویان	زمینه‌سازی فرهنگ گروهی فرهنگ‌سازی نظارت اجتماعی	فرهنگ‌سازی	مسئله فرهنگ‌سازی از دو جهت خود را بر جامعه و مسئولان آن تحمیل می‌کند و به عنوان یک مسئولیت و وظیفه مهم در حوزه جامعه‌پذیری خود را نشان می‌دهد. از جهتی فقدان فرهنگ استفاده از چیزی نیاز به فرهنگ‌سازی را توجیه می‌کند و از سوی دیگر وجود فرهنگی نامناسب، فرهنگ‌سازی مناسب را می‌طلبد. فرهنگ‌سازی به این معناست که آیت‌ها و المان‌های فرهنگی که	یکی از استادان گفت: «باید تشکل‌ها و کانون‌های مختلف برای فعالیت دانشجویان وجود داشته باشد» و دانشجویی بیان داشت: «پدیده مشارکت باید به عنوان کار نیک در بین دانشجویان فرهنگ‌سازی شود و جا افتد»

روایت مشارکت‌کنندگان	تعریف فرامضمون	فرامضمون‌ها	مضمون‌ها	گزاره‌های مفهومی
	<p>در جامعه نسبت به آنها توجه کمتری شده است را برای افراد دوباره یادآوری کنیم؛ چرا که فرهنگ، مفهومی است که از طریق اجتماعی شدن به افراد آموزش و انتقال داده می‌شود. بنابراین به دلایل ذکر شده باید در دانشگاه نیز فرهنگ مشارکت برای دانشجویان فرهنگ‌سازی شود.</p>			

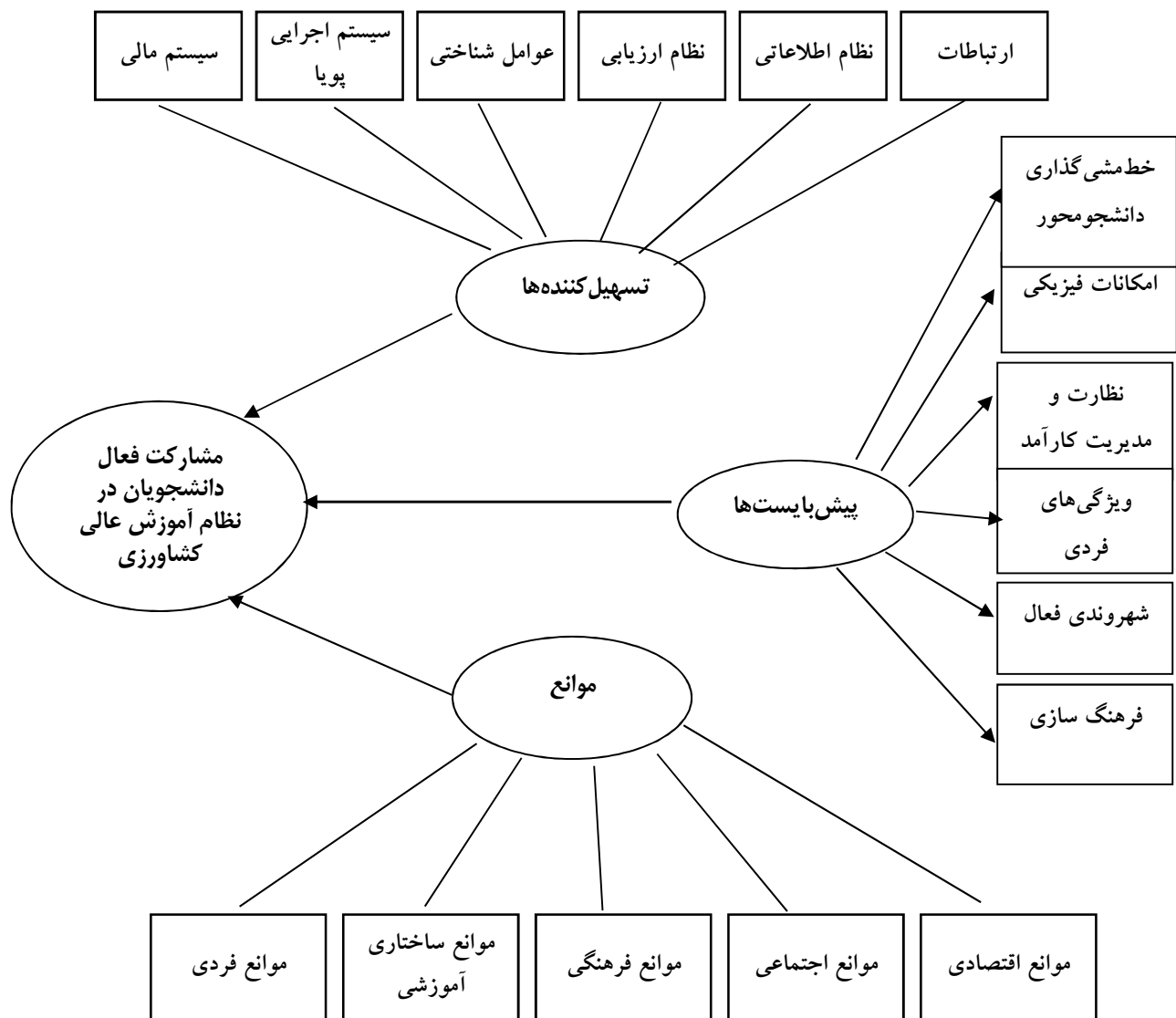
جدول ۴. گزاره‌های مفهومی و مضمون‌های بدست آمده از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها (تسهیل‌کننده‌های مشارکت فعال)

مضمون‌ها	فرامضمون‌ها	تعریف فرامضمون‌ها	روایت مشارکت‌کنندگان	
حمایت مالی از فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان	سیستم مالی	حمایت مالی از ایجاد و رشد مراکز آموزشی و امکانات مختلف در دانشگاه می‌تواند سبب رشد زایشی در امور شود. تخصیص کافی بودجه‌های تحقیقاتی عاملی است که سبب افزایش فعالیت‌های پژوهشی هدفمند و متعاقب آن توسعه فناوری می‌شود که به این امر در دانشگاه‌ها باید توجه شود. فقدان منابع مالی و اطلاعات کافی سبب افت شدید فعالیت‌های دانشجویان می‌شود.	دانشجویی ابراز نمود: «که امکانات و ابزار لازمه فعالیت‌ها به صورت رایگان در اختیار دانشجویان قرار گیرد»	
اختصاص بودجه کافی به فعالیت‌های دانشجویی		بودجه و سرمایه‌گذاری		
تنوع منابع مالی				
تخصیص بودجه‌های تحقیقاتی و آموزشی				
حمایت از مراحل رشد و ترقی دانشجویان				
وجود مشوق‌های مالی برای آموزشگران فعال در جلب مشارکت دانشجو		پشتیبانی مالی		
پرداختی مناسب کار دانشجویی				
تسهیلات و امکانات برای تأمین اهداف حامیان مالی دانشگاه				
تشکیل شورای فعال دانشجویی		سیستم اجرایی پویا	پویایی سیستم راهکاری کلی در درک و حل مسائل است. افرادی که این راهکار را فرا گیرند می‌توانند در حل مسائل زندگی خود استفاده کنند. بنابراین مخاطبان می‌توانند به گونه‌ای فعال محیط خود را ببینند، مسائل جدید را کشف کنند، به روش علمی این مسائل را مدل کرده، به آنها رسیدگی کنند. کاربرد روش‌شناسی پویایی سیستم در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان سیستم اجتماعی باز روش‌های مشارکتی در آن مد نظر است که برای پیاده‌سازی روش‌های مشارکتی ایجاد بسترهای مناسب ضروری است.	دانشجویی بیان نمود: «من فکر می‌کنم می‌توانم کار بالارزشی برای دانشگاهم انجام دهم» همچنین استادی گفت: «به نظر من عضو شدن و همکاری با گروه‌ها و سازمان‌های مردمی مانند هلال‌احمر و... نتایج مفیدی برای جامعه دارد»
تشکیل کمیته‌های دانشجویی				
حمایت صحیح از طرح‌های خلاقانه و اختصاص بخشی از نمرات برای فعالیت‌های خلاقانه دانشجویان	حمایت نهادی			
دعوت به همکاری در برگزاری نمایشگاه‌های هنری مختلف در دانشگاه				
برگزاری اردوهای مختلف علمی، ورزشی، فرهنگی و تفریحی				
تشکیل گروه‌ها و کانون‌های دانشجویی				
فعالیت گروه‌های آموزشی و دانشکده‌های کشاورزی در شبکه‌ها و انجمن‌های علمی بین‌المللی				
استفاده از افراد با تجربیات موفق در کلاس‌ها یا سمینارها	آموزش مشارکتی پویا			
استفاده از راهبرد یادگیری جمعی با درگیر ساختن دانشجویان در فعالیت‌های مختلف گروهی				
استفاده از روش‌های تدریس فعال و مبتنی بر مشارکت دانشجو در فرآیند تدریس				
بهبود شرایط جهت کسب تجربه برای دانشجویان	عوامل شناختی	همکاری خانواده‌ها با دانشگاه در تقویت آگاهی فرزندان در مورد دروس عملی و گروهی رضایت از زندگی و خانواده تقویت روحیه نقادی دانشجویان توسط اساتید ترغیب دانشجویان به انجام کارهای گروهی توسط اساتید روحیه انگیزشی بالا در آموزشگر تلاش استاد برای افزایش علاقه و انگیزه در دانشجویان تشویق به مشارکت از طرف گروه آموزشی نگاه توسعه محور و تعهد آمیز دانشگاه نسبت به نهادهای دانشجویی جهت ایجاد انگیزه وجود آزادی بیان توجه به علائق دانشجویان در فعالیت‌های درسی/فوق برنامه کشف و پرورش استعداد‌های مختلف دانشجویان توسط آموزشگران افزایش زمان بودن با دانشجویان به صورت فرد به فرد توسط آموزشگر برقراری نظام تشویق و دادن امتیازات مادی و معنوی هر چند اندک به دانشجویان فعال در عرصه‌های مختلف تخصیص محتوای منطقی و متناسب برای آزمون‌های ارزیابی	استادی بیان داشت: «استاد درس شرایط کلاس را برای مشارکت دانشجویان فراهم آورد و از این طریق دانشجویان را ترغیب به مشارکت کند» دانشجویی گفت: «من برای اینکه بتوانم در امور غیر تحصیلی مشارکت داشته باشم باید بتوانم حرفم را بدون حاشیه بیان کنم و ترسی از گفتن حرفم نداشته باشم»	
همکاری خانوادگی با دانشگاه در تقویت آگاهی فرزندان در مورد دروس عملی و گروهی				
رضایت از زندگی و خانواده				
تقویت روحیه نقادی دانشجویان توسط اساتید		ترغیب دانشجویان		
ترغیب دانشجویان به انجام کارهای گروهی توسط اساتید				
روحیه انگیزشی بالا در آموزشگر				
تلاش استاد برای افزایش علاقه و انگیزه در دانشجویان				
تشویق به مشارکت از طرف گروه آموزشی				
نگاه توسعه محور و تعهد آمیز دانشگاه نسبت به نهادهای دانشجویی جهت ایجاد انگیزه				
وجود آزادی بیان				
توجه به علائق دانشجویان در فعالیت‌های درسی/فوق برنامه				
کشف و پرورش استعداد‌های مختلف دانشجویان توسط آموزشگران	ایجاد انگیزه			
افزایش زمان بودن با دانشجویان به صورت فرد به فرد توسط آموزشگر				
برقراری نظام تشویق و دادن امتیازات مادی و معنوی هر چند اندک به دانشجویان فعال در عرصه‌های مختلف				
تخصیص محتوای منطقی و متناسب برای آزمون‌های ارزیابی				

<p>مدیری ذکر کرد: «دانشجویان ما برای اینکه حضور فعال داشته باشند باید نتیجه کارهای قبل خود را حتما ببینند که این مهم فقط از طریق دادن فرصت ارزیابی به آنها میسر می‌شود»</p> <p>دانشجویی بیان داشت: «امن وقتی دوست صمیمی خود را دیدم که برای موفقیت و تلاشش مورد تقدیر مدیران دانشگاه قرار گرفت تصمیم گرفتم که همراه او در ارگان‌های مختلف همکاری کنم»</p>	<p>واحد‌های نظارت و ارزیابی با رصد کردن حذف خطاها و افزایش کیفیت فعالیت‌ها می‌توانند نرخ فعالیت‌ها را افزایش داده و جهت‌دهی کنند تا فرصت‌ها رصد شده و موفقیت آنها تضمین شود. از طرفی وجود یک سیستم نظارت کارآمد، سلامت سازمانی را تضمین و شفافیت و پاسخگویی لازمه را ارتقا می‌بخشد. جهت دستیابی به این مهم فهم مشترک بین دانشجویان، مدیران و واحد ارزیابی ضروری بوده زیرا یک چارچوب دقیق سبب انعکاس صحیح نتایج ارزیابی می‌شود.</p> <p>نظام ارزیابی</p>	<p>نیازسنجی و ظرفیت سازی متناسب با علائق دانشجویان</p> <p>ارزشیابی صحیح دانشجویان</p> <p>تصمیم‌گیری برای دانشجویان بر اساس نتایج ارزشیابی صورت گرفته</p> <p>ارزیابی اعلام چارچوب شفاف برای ارزیابی دانشجویان و عدم تبعیض غیر درسی هنگام نمره‌دهی</p> <p>دادن فرصت ارزیابی محتوای آموزشی به دانشجویان سال آخر یا تحصیلات تکمیلی</p> <p>ارزشیابی رسمی و منظم از عملکرد و روش تدریس اساتید با نظرسنجی از دانشجویان</p> <p>ارزیابی دقیق براساس اهداف برنامه درسی</p> <p>ارزیابی از فعالیت‌های قبلی و در دست اجرا</p> <p>هدف‌گذاری مناسب برای فعالیت‌های دانشجویی براساس ارزیابی‌های پیشین</p> <p>تشویق دانشجو از طریق تعیین و دستیابی به اهداف</p> <p>ارزیابی هدفمند</p> <p>تقدیر از دانشجویان موفق، پر تلاش و فعال در زمینه‌های مختلف</p>
<p>استاد گفت: «لازم است دانشجویان از نیازهای جامعه اطلاع داشته باشند تا در تعامل با جامعه به طرف مشارکت تشویق شوند. متأسفانه اکثر قریب به اتفاق دانشجویان از قشر شهری هستند. تفاوت دانشجویانی که دارای فعالیت قبلی کشاورزی هستند با بقیه دانشجویان کاملاً چشمگیر است»</p>	<p>اطلاعات باید در تمامی سطوح دانشگاه به صورت جامع از طریق سازکاروهای نرم افزاری و سخت افزاری مناسب در جریان باشد. زیرساخت‌های فناورانه دانشگاه در پیاده‌سازی سیستم‌ها نقش تعیین‌کننده دارد. همچنین وجود یک نظام منابع اطلاعاتی در استفاده بهینه از زمان، امکانات موجود و کشف فرصت‌ها مؤثر است. همچنین بدون اطلاعات کافی دانشگاهیان قادر نخواهند بود فناوری مورد نیاز را خلق کنند و هوشیاری خود را نشان دهند.</p> <p>نظام اطلاعاتی</p>	<p>زیرساخت‌ها و سخت افزارهای مناسب فناوری اطلاعات و ارتباطات</p> <p>استفاده از نرم افزارهای مدیریت اطلاعات</p> <p>طراحی و تغییر محیط آموزشی براساس اطلاعات جدید و تکنولوژی نوین</p> <p>اطلاع رسانی شفاف و ارائه مشوق‌های مناسب از سوی دانشگاه</p> <p>توجه به مسائل روز جهان در گروه آموزشی</p> <p>به روز بودن اطلاعات تخصصی آموزشگر در مورد روش‌های مشارکتی</p> <p>به روز نگه داشتن -محتوا/ برنامه درسی توسط اساتید</p> <p>اطلاعات عمومی استاد جهت اظهار نظر در خصوص مسائل غیردرسی مورد سوال دانشجو</p> <p>قرار دادن اطلاعات مربوط به دروس به صورت شفاف و دائمی در اختیار دانشجویان</p>
<p>دانشجویی چنین بیان نمود: «من در خوابگاه به عینه دیدم که به تنهایی و با گوشه‌گیری و انزوا از عهده تکالیف خود برنمیام و چه بسا که بچه‌ها چه راحت چند نفری تکالیفشان را انجام می‌دهند پس</p>	<p>افراد از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند و یا اجرای آن با دشواری‌های زیادی همراه است. مشارکت همگانی دانشجویان در امور اجتماعی و تصمیم‌گیری‌ها با درگیر ساختن همگان در امور دانشگاه خویش، در آنها احساس مسئولیت و تعلق به دانشگاه را تقویت و نوعی وحدت و</p> <p>ارتباطات</p>	<p>ارتباط دانشگاه‌ها با یکدیگر</p> <p>مشورت دانشجویان با هم و مساعدت یکدیگر</p> <p>تعامل گروه‌های همسالان در حل مسائل و انجام فعالیت‌ها</p> <p>تعامل درست بین اساتید و دانشجویان</p> <p>افزایش اتحاد و همدلی بین دانشجویان</p> <p>هویت اجتماعی دانشجو (یعنی تعاملات بر اساس قومیت و طبقه اجتماعی)</p> <p>استفاده از موقعیت‌های اجتماعی و دسترسی به منابع و فرصت‌ها</p> <p>اشتراک تجارب</p>

<p>تصمیم گرفتم در جمع آنها بروم و با آنها مشارکت و همکاری کنم و به نتیجه دلخواهم دست یابم»</p> <p>استاد گفت: « برای اینکه دانشجویان ما بتوانند با هم همکاری و مشارکت داشته باشند باید خود را از همدیگر بدانند و دانشجویان از فرهنگ‌های مختلف با هم همدل و همراه شوند»</p>	<p>همبستگی اجتماعی را جایگزین تفرقه می‌کند.</p>	<p>فرایندهای تعاملی مانند پشتیبانی آموزشی و عاطفی استاد</p> <p>احترام دانشجویان به قوانین و افراد</p> <p>شفاف سازی نوع انتظارات استاد از دانشجو و تعیین روابط</p> <p>افزایش ارتباط دوستانه و برخورد مناسب مسئولین و اساتید با دانشجویان</p> <p>ارتباط دوطرفه استاد- دانشجو</p> <p>رعایت تعادل و برابری در برقراری ارتباط با تک تک دانشجویان توسط اساتید</p> <p>امکان برقراری ارتباط با آموزشگر به شیوه‌های مختلف مانند مراجعه حضوری و غیرحضوری</p>
---	---	--

مدیری اشاره کرد: «برخی دانشجویان چون از شهرهای مختلف و با فرهنگ متفاوت آمدند و از قومیت‌های گوناگون هستند در نگاه اول به هم اعتماد نمی‌کنند و تعصبات خاص خود را دارند بنابراین تمایلی به همکاری ندارند تا آشنایی کامل از هم به دست آورند و حس اعتماد بین آنها بوجود آید»		تعصب کارکنان و مسئولان نسبت به قومیت، جنسیت و ... تعصبات مذهبی تفاوت‌های زبانی و گویش دانشجویان عدم اعتماد بین دانشجویان باورهای خرافی دانشجویان تبعیض قومیتی
دانشجویی گفت: «وقتی من می‌بینم هر چی تلاش کنم و کارای بزرگ و کوچیک در دانشگاهمون انجام دهم ولی کسی از مدیران دانشگاهی برای زحمت من ارزش قائل نیست منم گوشه‌گیری را ترجیح میدم» دانشجویی دیگر گفت: «ما می‌خواهیم داخل دانشگاه و برای دانشگاه خودمون کار انجام دهیم ولی وقتی برای گرفتن یک مجوز کتبی یک هفته برو و بیا داریم مسلم دلزده می‌شیم»	موانع اجتماعی شبک‌هایی از روابط اجتماعی بازدارنده که مانع ایجاد ارتباط‌ها، بده و بستان و پیوند با دیگران شده و منجر به عدم اعتماد می‌شود که در این پژوهش شامل فرهنگ محافظه‌کارانه بوده که باعث انفعال، وجود مدیر و مسئول محتاط، دانشجویی محتاط، تابعیت دانشجوی، استاد محتاط، فرهنگ سکوت، فرهنگ ترس و فرهنگ تحمیل می‌شود. دانشجویان پس از اندکی ورود به دانشگاه و شناختن جو حاکم بر دانشگاه ترجیح می‌دهند محتاط باشند و از خود مقاومت نشان می‌دهند که منجر می‌شود دانشجویان از تجربه و دانش گذشته خود در جهت حل مسائل جدید، پذیرش و یادگیری دانش جدید استفاده کنند.	عدم همکاری و مشارکت دانشجویان عدم آگاهی و دانش ناکافی مسئولان، اساتید و دانشجویان عدم وجود روحیه مشارکتی در خانواده و جامعه مخالفت با تغییر سبک یادگیری به سوی یادگیری فعال فقدان تجربه دانشجویان در فعالیت‌های عملی و ترس از شکست بیگانگی اجتماعی (احساس انفصال، جدایی، تنهایی، بی‌قدرتی و انزوا دانشجویان نسبت به دیگران) بها ندادن به موفقیت دانشجویان عدم توجه ویژه به نحوه تدریس و میزان یادگیری دانشجویان فقدان دموکراسی در تشکل‌های مختلف کم توجهی مسئولین به استعداد‌های دانشجویان سخت‌گیری در مجوز ایجاد تشکل‌ها و کانون‌های مرتبط با نیازهای دانشجویان عدم توجه به ایده‌های دانشجویان توسط برخی از اساتید بی‌اعتمادی به مسئولین
یکی از مدیران چنین اظهار کرد: «ما با کمبود بودجه جهت انجام پروژه‌ها در این دانشگاه مواجه هستیم که این کم اهمیت ندارد و باید پیگیری شود» دانشجویی گفت: «خرج و مخارج بالاست و خیلی از امور مشارکتی هزینه‌بر است که دانشگاهیان فقط از کمبود بودجه می‌نالند»	موانع اقتصادی به معنای رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی، آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد، نهادها و سازمان‌ها، تعاملات عمده در حوزه اقتصاد و فرهنگ اقتصادی می‌باشد. در این تحقیق مشخص شد از مهمترین و در برخی موارد اصلی‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری افراد جهت مشارکت در امور دانشگاهی است عوامل اقتصادی است. چرا که به واقع از دغدغه‌های مهم افراد جامعه، توجه آنها به مسائل اقتصادی و تلاش و برنامه‌ریزی برای آینده مطلوب از لحاظ اقتصادی است.	موانع مالی جهت تکمیل ساخت و سازها و تحویل کلاس‌ها کمبود بودجه جهت انجام پروژه‌ها اطلاع‌رسانی نامناسب مالی در نهادهای دانشگاهی تخصیص اعتبار مالی محدود برای فعالیت‌های فوق برنامه عدم تخصیص اعتبار و تسهیلات جهت اجرایی ساختن ایده‌های نو دانشجویان عدم توان برخی دانشجویان در پرداخت هزینه‌های نسبتاً زیاد برای تکمیل برخی تکالیف و پروژه‌ها دغدغه دانشجویان در خصوص هزینه‌های جانبی و مخارج سنگین عدم دسترسی به منابع و فرصت‌ها



شکل ۲. الگوی حاصل از فرامضمون‌های به‌دست آمده برای تبیین پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌گرها و موانع مشارکت فعال دانشجویان علوم کشاورزی در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان

نتیجه‌گیری

امروزه انتظار جامعه از دانشگاه، توسعه مهارت‌های عمومی دانشجویان و تأکید بر آموزش شغل‌محور می‌باشد. نبود تناسب بین قابلیت‌های علمی، فنی و تعاملی دانش‌آموختگان کشاورزی و نیاز بخش تخصصی و صنعتی کشاورزی که باید در آن مشغول به کار شوند، ما را به تفکر درباره تغییر روش‌های آموزشی، پرورشی و یادگیری در نظام آموزش عالی کشاورزی ترغیب می‌کند. در واقع یک ساختار آموزشی مناسب، آن است که فرد را برای سازگاری با چالش‌های آینده آماده کند، لذا ضروری است که به منظور ایجاد تحولات لازم برای افزایش مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه اقدامات اساسی صورت گیرد. گام نخست در این زمینه آن است که پیش‌بایست‌ها و تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال شناسایی شود و در گام بعدی با تدوین نشانگرها، سنجش و ارزیابی دقیق فعالیت‌های مربوط به هر یک از این مؤلفه‌ها میسر شود. هدف از این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های یاد شده برای مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه‌های کشاورزی بوده است. به همین منظور

طی مصاحبه با دانشجویان، اساتید و مدیران علوم کشاورزی مفاهیم، مضامین و فرامضامین مرتبط شناسایی و دسته‌بندی شدند که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته شده است:

الف) پیش‌بایست‌های مشارکت فعال دانشجویان

در خصوص پیش‌بایست‌های مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه از ۶۲ مفهوم استخراج شده ۱۲ مضمون در دسته‌بندی موضوعات اصلی قرار گرفت و به این ترتیب از آنها ۶ فرامضمون اصلی شامل: خط‌مشی‌گذاری دانشجومحور، امکانات فیزیکی، نظارت و مدیریت کارآمد، ویژگی‌های فردی، شهروندی فعال و فرهنگ‌سازی بدست آمد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر فرامضمون «خط‌مشی‌گذاری دانشجومحور» مشتمل بر مضمون‌های "اهداف و برنامه‌ریزی صحیح" و "عاملیت دانشجو در تصمیمات" از جمله پیش‌بایست‌های مشارکت فعال بدست آمد که با یافته‌های خسروی‌پور و همکاران (۱۳۹۵)؛ شریفیان و همکاران (۱۳۹۲)؛ طلایی و حکمت‌پو (۱۳۹۱)، سلیمانی مطلق (۱۳۸۴) و همچنین مطالعه بولز و ولان (۲۰۱۷) همسو است. بدیهی است دانشجویان تحت تأثیر نتایج برنامه‌های درسی قرار می‌گیرند و در آثار بسیاری مشتری اصلی آموزش عالی خوانده شده‌اند (پترسن پرلمن و همکاران، ۱۹۹۹)، که این نشان‌دهنده اهمیت این گروه از ذینفعان است. دانشجویان ساعت‌ها، روزها و ماه‌ها با برنامه‌های درسی در ارتباط هستند. بنابراین، فراهم ساختن مشارکت منطقی و معقول برای این گروه در وضع مطلوب، ضروری می‌نماید. این ضرورت در برخی پژوهش‌های دیگر مانند چن و همکاران (۲۰۰۸) نیز مورد توجه قرار گرفته است. لاتوکا و استارک (۲۰۰۹) که از نویسندگان مشهور در عرصه برنامه درسی آموزش عالی هستند، دانشجویان را یکی از نیروهای تأثیرگذار درونی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی دانسته‌اند. چنین دیدگاهی مبین ضرورت مشارکت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی است.

«امکانات فیزیکی» مشتمل بر "امکانات کمک‌آموزشی" و "امکانات رفاهی" بدست آمده که با نتایج علی‌بیگی و میرزایی (۱۳۹۴)؛ فراستخواه (۱۳۸۷)؛ ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. بر این اساس اگر در دانشگاه‌ها کارگاه‌های آموزشی یا همایش‌های ملی و بین‌المللی برگزار شود که دانشجویان اعضای کمیته‌ها را تشکیل دهند یا اگر زمینه‌هایی فراهم شود که دانشجویان در طرح‌ها، پروژه‌ها و کارهای پژوهشی، مقالات علمی و... با اساتید همکاری کنند، به نظر می‌رسد بتوان زمینه مشارکت فعال دانشجویان را تقویت کنند (فراستخواه، ۱۳۹۴). در خصوص امکانات رفاهی، برآیند مطالعات نشان می‌دهد که یادگیری و رفتار دانشجویی راضی بهتر بوده و دانشجویان راضی میان همسالان خود انرژی مثبت ایجاد می‌کنند، دانشجویان راضی فعال‌ترند. و بنابراین، دانشجویی فعال با احتمال بیشتری در دوران تحصیل و بعد از آن، موفق خواهد بود (مهدی، ۱۳۹۴).

در خصوص فرامضمون نظارت و مدیریت کارآمد دو مضمون فرعی "سیاست‌های حمایتی" و "مقررات و فرایندها" بدست آمد که با نتایج مطالعه‌ی حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)؛ (فین و ووتلکی، ۱۹۹۳) همسو است. پاسخگویان تدوین مقررات حمایتی و تسهیلگر برای مشارکت دانشجویان به همراه شفاف‌سازی فعالیت‌ها توسط دانشگاه و ملزم کردن آموزشگران به استفاده از روش‌های آموزش نوین و نوآورانه را در به عنوان نیازهای افزایش مشارکت خود در دانشگاه برشمردند. می‌توان گفت که با نظارت بر مشارکت فعال و دستاوردهای دانشجویان، موسسات می‌توانند حوزه‌های عمل خوب و همچنین زمینه‌هایی که نیاز به بهبود دارند را شناسایی کنند. دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند با مدیریت صحیح منابع حمایتی را به روش استراتژیک تخصیص دهند و پیامد این روش‌ها را به گونه‌ای ارائه دهند که بازخورد مؤثری را نشان دهند.

"ویژگی‌های رفتاری" و "ویژگی‌های هیجانی" دو مضمون فرعی مورد نظر برای مضمون اصلی ویژگی‌های فردی بوده‌اند. در خصوص ویژگی‌های رفتاری می‌توان گفت افراد وظیفه‌شناس و پذیرا به تجربه، وقت زیادی را صرف انجام تکالیف می‌کنند و در جهت رسیدن به اهداف خود تلاش و پافشاری زیادی می‌کنند و از این طریق مشارکت دانشجویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (داف، و همکاران ۲۰۰۴) که سایر ویژگی‌های رفتاری بدست آمده از داده‌های پژوهش مانند مسئولیت‌پذیری، سخت‌کوشی، پشتکار، توجه و هدفمندی، به همین طریق موثرند و با نتایج مطالعات رستمی و همکاران (۱۳۹۶) و عباسی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بوده است. نتایج در خصوص ویژگی‌های هیجانی دانشجویان مانند احساس علاقه و اشتیاق، انگیزه و روحیه مشارکت‌جویی با نتایج تینتو (۱۹۸۷) مطابقت دارد که دریافت: سلامت فکری، اجتماعی و هیجانی عامل مهمی در مشارکت فعال دانشجویان و موفقیت است. همچنین مشارکت فعال اشاره می‌کند که انگیزه با رفتار تکمیل شده و به عمل محسوس تبدیل می‌شود. این‌ها چگونگی توسعه منافع فرد را توضیح می‌دهد و همچنین به نظر می‌رسد عاملی باشد که لزوماً قبل از مشارکت فعال وجود دارد. همچنین با نتایج مطالعات کاپوبانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ مازر (۲۰۱۶) همسو است. از طرفی دیگر پژوهش‌هایی که در مورد انگیزه تحصیلی انجام شده‌اند، به تبیین این موضوع پرداخته‌اند که چرا برخی از دانشجویان سطح فعالیت و مشارکت بیشتری را در یک تکلیف نشان می‌دهند. مثلاً از مطالب درسی یادداشت‌برداری می‌کنند، یا مدام سؤال می‌پرسند، با دوستان خود در زمینه مطالب درسی بحث و گفت‌وگو می‌کنند، خارج از وقت کلاس، زمان زیادی را صرف مطالعه مطالب درسی می‌کنند و حتی به دنبال اطلاعات جانبی هستند و به کتابخانه‌ها و کارگاه‌ها نیز مراجعه می‌کنند.

در تبیین آن می‌توان گفت که به هدفمندی دانشجو بستگی زیادی دارد؛ جهت‌گیری‌های هدف در واقع به‌عنوان جهت‌گیری‌های موقعیتی برای عمل در یک تکلیف برای پیشرفت تعریف می‌شوند. گاهی هدف از درگیر شدن با یک تکلیف، رشد توانایی و گاهی اثبات توانایی است.

دانشجویانی که دارای انگیزه درونی هستند، برای تکلیف‌ها ارزش بالایی قائل‌اند و برای انجام آنها تلاش زیادی به خرج می‌دهند. آنان بیشتر از راهبردهای فراشناختی و سطح بالا استفاده می‌کنند. در نتیجه درگیری تحصیلی و مشارکت فعال آنان در سطح مطلوبی است. در مقابل، دانشجویانی که دارای انگیزه بیرونی هستند، برای بهتر بودن از دیگران، انجام بهتر کارها، و داشتن استانداردهای برتر عملکردی تلاش می‌کنند. اگرچه دانشجو ممکن است با تکلیف‌های درسی درگیر شود، ولی هدف و تلاش او برای دستیابی به چیز دیگری است. بنابراین سطح و کیفیت تلاش و مشارکت فعال تحت تأثیر عوامل بیرونی نیز قرار می‌گیرد.

"تعاملات سازنده و تقویت مهارت‌های اجتماعی" دو مضمون فرعی مورد نظر برای مضمون اصلی «شهروندی فعال» بوده‌اند. وجود روابط سازنده دانشجویان با یکدیگر و عوامل اجرایی یا آموزشی دانشگاه، همفکری و ارائه نظرات در کلاس، تعامل و روابط دانشجویان و اساتید به صورت کلامی و غیر کلامی در فعالیت‌های یادگیری عواملی بود که مشارکت‌کنندگان در پژوهش بیان کردند و تحت عنوان مضمون "تعاملات سازنده" با نتایج روئیسر و همکاران، (۱۹۹۶)، زبکی و همکاران (۲۰۱۰)، مرقایی‌خویی و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد همانطور که آستین (۱۹۸۴-۱۹۹۳) اظهار داشت مشارکت دانشجویان و تعامل هیأت علمی و همکاران در داخل و خارج از کلاس با دستاوردهای دانشجویی رابطه مثبت دارند. از طرفی احترام به قوانین و افراد آموزش و تاکید بر احترام متقابل، تشویق دانشجویان به همکاری، دارا بودن ویژگی‌هایی مانند روابط اجتماعی و روابط عمومی بالای دانشجویان از جمله مفاهیم مورد نظر پاسخگویان در پژوهش حاضر بوده است و با نتایج مطالعه زبکی و همکاران (۲۰۱۰)، لیچ و زبکی (۲۰۱۱)، راسل و آر. اسلیتر (۲۰۱۱)، عباسی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بوده است. هنگامی که آموزشگران، دانشجویان را ترغیب می‌کنند به همدیگر احترام گذارند به‌گونه‌ای که به طور قطعی و بدون اعتراض به ایده می‌رسند، احترام متقابل برقرار شده است. در نتیجه تجربه احترام متقابل می‌تواند بعد مهمی از محیط اجتماعی در کلاس باشد که جز الزامات تغییرات کارآمدی تحصیلی^۱ و خودتنظیمی تحصیلی^۲ را محسوب می‌شود (رایان و پاتریک، ۲۰۰۱).

مشارکت‌کنندگان در پژوهش، «فرهنگ‌سازی» براساس زمینه‌سازی فرهنگ گروهی و نظارت اجتماعی را از جمله پیش‌نیازهای مشارکت فعال دانشجویان بیان کردند. این مضامین موید مطالعات افضلیان‌سلامی و همکاران (۱۳۹۸)، گنجی و همکاران (۱۳۹۷)، و اکبرپورزنگلانی و همکاران (۱۳۹۵) می‌باشند. فواید کار گروهی خصوصاً در علوم مهندسی بر کسی پوشیده نیست اما فعالیت‌های تحصیلی گروهی می‌توانند نسبتاً پیچیده باشند. به نظر می‌رسد با توسعه عام‌گرای، افزایش توانمندی افراد در فعالیت گروهی و همچنین افزایش اعتماد به توانمندی هر فرد در فعالیت‌های گروهی، گرایش به کار جمعی نیز در آنها تقویت شود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه تجربه شروع دانشگاه به طور واضح برای بعضی از دانشجویان شوک فرهنگی^۳ (کریستی و همکاران، ۲۰۰۸) و شوک یادگیری^۴ (گریفتس و همکاران، ۲۰۰۵) تلقی می‌شود، بنابراین تفاوت‌های فرهنگی در بین دانشجویان رخ می‌دهد که میزان متفاوتی از مشارکت فعال در بین آنان شکل می‌گیرد (کاهو، ۲۰۱۳ به نقل از استالکر و همکاران، ۲۰۰۱).

ب) تسهیل‌کننده‌های مشارکت فعال دانشجویان

در خصوص تسهیل‌کننده‌های مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه از ۶۳ مفهوم استخراج شده ۱۲ مضمون در دسته‌بندی موضوعات اصلی قرار گرفت و به این ترتیب از آنها ۶ فرامضمون شامل: سیستم مالی، سیستم اجرایی پویا، عوامل شناختی، نظام ارزیابی، نظام اطلاعات و ارتباطات بدست آمد.

"سیستم مالی" فرامضمون بدست آمده از مضامین "بودجه و سرمایه‌گذاری" و "پشتیبانی مالی بوده" که مؤید نتایج پژوهش بهشتی‌راد و همکاران (۱۳۹۷)، موحدی و همکاران (۱۳۹۲)، پایک و همکاران (۲۰۰۶)، و همچنین رایان (۲۰۰۵) بوده که نقش منابع مالی و هزینه‌های نهادی در مشارکت فعال را بررسی کرد و دریافت که هزینه‌های اجرایی (اداری) به طور منفی با مشارکت فعال دانشجویان وابسته است. نتایج این تحقیق پیوندهای پیچیده بالقوه بین هزینه‌ها و مشارکت فعال را نشان می‌دهد. پاسخگویان در این خصوص بیشتر به مواردی مانند

1 Academic Efficacy

2 Self-Regulation

3 Culture Shock

4 Learning Shock

تخصیص بودجه‌های بیشتر برای فعالیت‌های درون دانشگاهی و حمایت و ارائه مشوق‌های متنوع مالی برای تسهیل مشارکت فعال دانشجویان اشاره کردند.

فرازمون «سیستم اجرایی پویا» از مضامین «حمایت نهادی و آموزش مشارکتی پویا» استخراج شد و با نتایج مطالعات راسل و آر.اسلیتر (۲۰۱۱)، کاویانی و همکاران، (۱۳۹۷)، حسین‌نژاد و آخش (۱۳۹۲) همسو است. از مفاهیم این بخش این‌گونه استدلال می‌شود که در یک بستر پویا که لزوماً بر پایه حمایت نهادی بوده، ممکن است فرهنگ نهادی ایجاد شود که به طور مداوم از طریق روش‌های مشارکتی و پویا تلاش می‌کند تا دانشجویان در فعالیت‌ها و تجربیات تحصیلی مؤثر باشند، بنابراین احتمال اثربخشی نهادی بیشتر شده و یادگیری و توسعه‌ی فردی و علمی دانشجویان افزایش می‌یابد. علاوه بر ایجاد کلاس درسی که احترام متقابل، حمایت و آسایش را برای دانشجویان فراهم می‌کند، تدریس برنامه درسی باید به شکل یادگیری مشارکتی ارائه شود و پژوهش بر روی محیط‌های یادگیری مثبت و مشارکتی تمرکز کند. «عوامل شناختی» براساس مضامینی مانند «ترغیب دانشجویان» و «ایجاد انگیزه» از جمله تقویت‌کننده‌های مشارکت فعال بدست آمد که دلالت بر افزایش انگیزه، رفتار مثبت در کلاس درس، شبکه‌های اجتماعی و توجه به انتظارات و پیشرفت‌های تحصیلی دارد. رایان و پاتریک (۲۰۰۱) اشاره کردند که تشویق آموزشگران به موقعیت‌های یادگیری مشارکتی با پنج شاخص انگیزه و مشارکت فعال همراه است (اثربخشی تحصیلی، اثربخشی اجتماعی با مدرس، اثربخشی اجتماعی با همسالان، یادگیری خودتنظیم شده و کاهش رفتار متضاد). این مضامین همچنین همسو با یافته‌های ربانی و همکاران (۱۳۹۶)، منیعی و همکاران (۱۳۹۶)، بردبار و یوسفی (۱۳۹۵)، سمووی و همکاران (۱۳۹۵)، دوگان (۲۰۱۵)، زبکی و همکاران (۲۰۱۰) و بودی استوتی (۲۰۱۶) است.

«نظام ارزیابی» مشتمل بر «ارزیابی عادلانه» و «ارزیابی هدفمند» براساس نظرات پاسخگویان بدست آمد که بر اجرای منظم، منطقی، شفاف و عادلانه، به دور از تبعیض در برگزاری امتحانات، بهره‌گیری از نتایج ارزشیابی اساتید برای هدف‌گذاری‌های آینده و به‌طور کلی فرایند ارزشیابی توسط دانشگاه دلالت دارد و با نتایج مطالعات هاشمیان و همکاران (۱۳۹۷)، بنکداری و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. فرازمون «اطلاعات» مشتمل بر مضامین «خلاقیت آموزشی» و «به‌روزرسانی اطلاعات» به عنوان بخشی از تسهیل‌کننده‌های مشارکت فعال بدست آمده و دلالت بر استفاده و حمایت از روش‌های خلاقانه در آموزش و پژوهش، به روز نگه داشتن روش تدریس، محتوا/ برنامه درسی توسط اساتید، استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات دارد و موید نتایج پژوهش کریمی و همکاران (۱۳۹۹)؛ و مطالعه کوتز (۲۰۱۰) است که پیشنهاد کرده است: دانشگاه‌ها می‌توانند به جای استفاده از مفروضات یا گزارش‌های جزئی در مورد فعالیت‌های دانشجویی، براساس اطلاعات عینی‌تر تصمیم‌گیری کنند. اطلاعات در مورد فعالیت‌های دانشجویی، نهادها را با اطلاعات ارزشمندی برای بازاریابی و استخدام و کمک به آنها تجهیز می‌کند تا بیشتر پاسخگوی نیازهای یادگیری دانشجویان باشند. فقط با اطلاعات دقیق و قابل اعتماد درباره آنچه که دانشجویان واقعا انجام می‌دهند، می‌توان دانشگاه‌ها را فراتر از فعالیت‌های دانشجویی سوق داد.

فرازمون «ارتباطات» مشتمل بر مضامین «اشتراک تجارب و ارتباط دوطرفه استاد-دانشجو» با مطالعه کریمی و ستوده (۱۳۹۶)، کاویانی و همکاران (۱۳۹۷)، گوناک و کوزو (۲۰۱۵)، بارکائویی و همکاران (۲۰۱۵) و بولز و ولان (۲۰۱۷) همسو است. برآورده شدن نیاز ارتباط با دیگران می‌تواند شبکه اجتماعی دانشجویان را تقویت کند و از طریق این شبکه دانشجویان می‌توانند ایده‌ها، نظرها و احساسات خود را تسهیم و بیان کنند و مسایل را به طور اثربخش‌تری حل کنند (نواز و گیلانی، ۲۰۱۱). این امر منجر به آن خواهد شد که دانشجویان درک و تصویری مثبت و خوش‌بینانه‌ای از توانایی‌های خود داشته باشند (ژن و همکاران، ۲۰۱۷). زمانی که دانشجویان روابط مثبتی با مدرسان خود داشته باشند، از لحاظ عاطفی و رفتاری بیشتر مشغول می‌شوند و این امر به پیشرفت تحصیلی بیشتر آنها کمک می‌نماید (اوکانار و مک کارتنی، ۲۰۰۷).

پ) موانع مشارکت فعال دانشجویان

در خصوص موانع مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه از ۵۷ مفهوم استخراج شده ۱۰ مضمون در دسته‌بندی موضوعات اصلی قرار گرفت و به این ترتیب از آنها ۵ فرازمون اصلی شامل: موانع فردی، موانع ساختاری/آموزشی، موانع فرهنگی، موانع اجتماعی و موانع اقتصادی بدست آمد.

فرازمون «موانع فردی» مشتمل بر «عوامل شخصیتی-روانی» و «عوامل ماهیتی» بدست آمده نشان‌دهنده‌ی عواملی مانند بی‌علاقگی، نارضایتی، فایده‌گرایی، فقدان روحیه مشارکتی و نقادی و نقدپذیری، اختلاف نظر بین دانشجویان و ... می‌باشد. این نتایج با مطالعات فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)، سپهوند و همکاران (۱۳۹۸)، بلوردی و بلوردی (۱۳۹۱) و زمانی و عظیمی (۱۳۸۳) مطابقت دارد. می‌توان گفت بدون توجه به تفاوت‌های فردی، فعال بودن در فعالیت‌های دانشگاهی و به‌خصوص یادگیری دانشجویان دچار نقصان خواهد شد، چرا که هر دانشجویی متناسب با شرایط و ویژگی‌های خود دارای توانایی‌ها و ضعف‌هایی است که از فردی به فرد دیگر متفاوت است و لذا نمی‌توان در یادگیری یک زمان و یک سرعت را برای همه متصور شد، از سویی دیگر دانشجویان مختلف بر حسب تجربه از عادت و سبک‌های یادگیری مختلفی نیز برخوردارند که استاد باید به آن‌ها توجه داشته باشد. در این راستا دانشجویان اعتقاد داشتند در هر حال تا دانشجویی

نسبت به شیوه یا فعالیت آموزشی ابزار تمایل و علاقه نکند، شاید در آن موفق نباشد و از سویی دیگر اظهار می‌کردند که شیوه های آموزشی نباید باعث ایجاد تفاوت‌های فردی و القای استرس شود و چیزی که از آن به عنوان یادگیری فعال یاد می‌کردند، توجه آموزش به تفاوت‌های فردی بوده که سرعت و توانایی دانشجویان در کلاس را در نظر می‌گرفت.

«موانع ساختاری/آموزشی» فرامضمون دیگری است که مشتمل بر "عدم هماهنگی و انعطاف" و "بی‌عدالتی آموزشی" بدست آمد که دلالت بر وجود تبعیض، قوانین و شرایط سختگیرانه، جو رسمی، محدودیت در زمان درس، امکانات و مکان برای فعالیت‌های فوق‌برنامه، ضعف برنامه‌ریزی، کمبود پرسنل ماهر و فقدان هماهنگی بین بخش‌های مختلف دانشگاه دارد این نتایج با یافته‌های دونبار (۲۰۱۲)، فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)، و سپهری (۱۳۷۴) همسو است. همچنین پاسخ‌های دانشجویان نشان داد، که مانند وقت و تلاش، تعامل و مشارکت نیز بوسیله محیط یادگیری فیزیکی آنها محدود شده است. به طور مثال در سالن‌های سخنرانی به دلیل چیدمان ردیفی صندلی‌ها شرایط برای مشارکت فعال محدود بوده و توضیح دادن و تعامل با یکدیگر دشوار است.

فرامضمون دیگر «موانع فرهنگی» بوده که مشتمل بر مضامین "فردگرایی" و "سنت‌گرایی" است و به موانعی مانند ضعف در فرهنگ مشارکت و کار گروهی، منفعت طلبی، خودمحور بودن، خود برتر بینی و رقابت ناسالم دانشجویان، خودرأی بودن کادر آموزشی، تعصبات مذهبی، تفاوت‌های زبانی/گوشی عدم اعتماد دانشجویان به همسالان و اساتید، باورهای خرافی دانشجویان و تبعیض قومیتی در دانشگاه اشاره می‌کند. دانشجویان معتقد بودند که بیشتر از همه، فرهنگ مدرک‌گرایی، خود از ویژگی‌هایی مانند رقابت کاذب، بیکاری، اهمیت پرستیژ اجتماعی، و تأکید بر آموزش صرف برخاسته و یا حتی آنها را به وجود آورده و تشدید می‌کند. پاسخگویان معتقد بودند که دانشجویان تلاش می‌کند وارد دانشگاه شود و پس از ورود وقتی به این نتیجه رسید که وضعیت دانشگاه با ایده‌آل‌هایش فاصله دارد تلاشی برای تغییر وضع موجود نکرده و یا احساس می‌کند که تلاش‌هایش بی‌فایده است لذا تصمیم می‌گیرد که هر چه سریعتر مدرکش را بگیرد و از آن خارج شود و طبیعتاً مشارکت فعال در او مشاهده نمی‌شود. این نتایج همسو با یافته‌های افضلیان سلامی و همکاران (۱۳۹۸)، بلوردی و بلوردی (۱۳۹۱) است.

«موانع اجتماعی» نیز فرامضمون بدست آمده از مضامین "اینرسی تجربه و یادگیری" و "محافظه‌کاری مسئولین" همسو با یافته‌های سپهوند و همکاران (۱۳۹۵) و هاگ (۲۰۱۴) است و دلالت بر عدم وجود روحیه مشارکتی در خانواده و جامعه، مخالفت با تغییر سبک یادگیری، فقدان آگاهی و تجربه دانشجویان و ترس از شکست و تبعات آن در محیط اجتماعی، بی‌اعتمادی دانشجویان به مسئولان دانشگاه، بیگانگی اجتماعی، کم توجهی مسئولین به استعدادها و ایده‌های درخشان و سخت‌گیری در مجوز فعالیت‌های اجتماعی دارد. با توجه به اینکه بحث مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه از تئوری کنترل اجتماعی (هیرشی، ۱۹۶۹) نیز الهام می‌گیرد که تأکید زیادی بر احساسات فردی، دلبستگی و تعلق داشتن به نهادهای اجتماعی دارد. رفتار ضد اجتماعی جوانان به عنوان یک گسست در پیوند میان فرد و جامعه تلقی می‌شود. به همین شکل عدم درگیر شدن دانشجویان در دانشگاه، نوعی گسست ارتباط میان فرد و نهادهای آموزشی تلقی می‌شود. پیوستگی و تعلق در تئوری های کنترل اجتماعی با تعهد باورها، دلبستگی و درگیری مشخص شده است. از سوی دیگر اکثر پاسخگویان معتقد بودند که در دانشگاه‌های ایران استاد گوینده و دانشجو شنونده است. در برخی موارد که دانشجویان دست به نقد مباحث ارائه شده در کلاس می‌زنند با استقبال استادان روبرو نمی‌شوند. لذا دانشجویان پس از اندکی ورود به دانشگاه و شناختن جو حاکم بر دانشگاه ترجیح می‌دهند که شنونده باشند تا گوینده و یا منتقد.

«موانع اقتصادی» دیگر فرامضمون استخراج شده از یافته‌های پژوهش است که مشتمل بر مضامین "محدودیت بودجه و وضع مالی ضعیف" می‌باشد مفاهیم حاصل از نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش مانند موانع مالی جهت تکمیل ساخت‌وسازها و تحویل کلاس‌ها، کمبود بودجه جهت انجام پروژه‌ها، تخصیص اعتبار مالی محدود برای فعالیت‌های فوق برنامه، عدم تخصیص اعتبار و تسهیلات جهت اجرایی کردن ایده‌ها، دغدغه دانشجویان در خصوص هزینه‌های جانبی و عدم توان برخی دانشجویان در پرداخت هزینه‌های نسبتاً زیاد تکالیف و طرح‌ها و عدم دسترسی دانشجویان به منابع و فرصت‌ها نشان دهنده تاثیر این عوامل بر کاهش یا عدم مشارکت فعال در دانشگاه است و همسو با یافته‌های دونبار (۲۰۱۲)، فروزنده و همکاران (۱۳۹۰) است که بیان کردند بین میزان درآمد ماهانه دانشجویان و میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های فوق برنامه رابطه‌ای منفی (معکوس) و معنی‌دار وجود دارد.

نظام آموزش عالی کشاورزی با مسائل و مشکلاتی رو به رو است که موجب شده است در راه دستیابی به هدف‌ها آن‌گونه که در سند چشم‌انداز آن مشخص شده است موفق نبوده و شاهد این مدعا نیز بالا بودن نرخ بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نسبت به میانگین کل جامعه است.

بنابراین با توجه به نقش و جایگاه دانشجویان در آینده جامعه، ایجاد زمینه و بستر مناسب برای تحصیل و زندگی تحصیلی آنها، توسعه و بالندگی جامعه را به دنبال خواهد داشت. امید است مسئولان و دست‌اندرکاران محیط دانشگاه بستر رشد و توسعه دانشجویان را با ترویج و آموزش مشارکت بین آموزشگران و فراگیران فراهم نموده و محیط آموزشی مناسب را طراحی نمایند و به طور کلی فرهنگ مشارکت را در دانشگاه‌های علوم کشاورزی نهادینه کنند. علی‌رغم این که اعتقاد بر این است که کار گروهی و مشارکت بایستی از دوران دبستان و در

درون خانواده نهادینه گردد، لازم است مدیران آموزشی ترتیبی اتخاذ نمایند که فرهنگ یادگیری درست در محیط خانواده با روش‌های مختلف و صحیح ایجاد گردد، و اعمال و رفتار خود و اعضای خانواده در زمینه‌ی یادگیری بر مبنای همکاری و مشارکت اصلاح گردد. از طرفی می‌بایست اصلاح، گسترش و تعمیق نگرش مشارکت‌جویانه، جلب اعتماد و پاسخ‌گوسازی نظام مدیریتی مورد توجه قرار گیرد و به عوامل شناختی و انگیزشی تاکید بیشتری شود چرا که نه‌تنها در زمینه‌ی مشارکت فعال بلکه برای اقدام به هر فعالیتی بایستی انگیزه‌ی کافی وجود داشته باشد؛ در این الگو نیز در اکثر بخش‌های مربوط به قسمت پیش‌بایست‌ها و تسهیل‌کننده‌ها وجود انگیزه برای فعالیت مشارکتی و موفقیت لازم و ضروری می‌باشد. در شرایطی که بافت آموزش عالی کشاورزی برانگیزاننده باشد، دانشجو با هدف‌های پیشرفت معین می‌تواند مشارکت فعال بالایی داشته باشد. محتوا و روش‌های تدریس چالش‌برانگیز و مبتنی بر پژوهش و اکتشاف، رویکردهای دانشجو محور در آموزش و برنامه‌ریزی، روش‌های ارزشیابی مناسب، هیئت علمی توانمند و روش‌های مؤثر تشویقی می‌توانند زمینه لازم را برای ارتقای انگیزه تحصیلی دانشجویان فراهم کنند.

در خصوص موانع نیز در مرحله‌ی نخست بایستی زمینه و شرایط مورد توجه قرار گیرد و موانعی که در این بخش وجود دارد مرتفع گردد زیرا میزان تأثیرپذیری فرد از محیط بسیار زیاد می‌باشد. در این زمینه توجه به این نکته ضروری است که چون دانشجویان مخاطبان اصلی این پدیده هستند در درجه اول باید به دنبال راهکارهایی برای افزایش اعتماد دانشجویان نسبت به یکدیگر بود تا آنها بتوانند با اطمینان خاطر پا در این عرصه فرهنگی بگذارند. همزمان با رفع گام به گام موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در راستای رفع موانع ساختاری بخش آموزش کشاورزی به موانع شخصیتی تک تک فراگیران و حتی آموزشگران اهمیت داده شود و در جهت رفع آن از طریق مراکز مشاوره درون دانشگاه اقدام شود زیرا موانع حضور و یا عدم حضور در کلاس درس یا فعالیت‌های فوق برنامه متأثر از عوامل مربوط به هر دو گروه مدرسین و دانشجویان می‌باشد که میزان و تداوم حضور را تعیین می‌کند.

در این پژوهش تلاش شد تا با مراجعه به صاحب‌نظران و دانشجویان دانشگاه‌های کشاورزی و بررسی داده‌های حاصل از مصاحبه، الگویی مبتنی بر پیش‌بایست‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و موانع مشارکت فعال دانشجویان در دانشگاه تدوین شود تا از این طریق در جهت فراهم‌سازی پیش‌بایست‌ها، افزایش تقویت‌کننده‌ها و رفع موانع موجود گام‌های صحیح، سریع، نظام‌مند و در عین حال بدون شتاب‌زدگی برداشته شود. در مجموع، راهکارهای مختلف حاصل از موانع شناسایی شده می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان دانشگاه در جهت جلب مشارکت بیشتر دانشجویان در فعالیت‌ها باشد. البته به کارگیری و اجرای این راهکارها متناسب با شرایط دانشگاه‌ها می‌تواند متنوع باشد. بنابراین پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود برنامه‌های تشویقی در زمینه‌های مختلف در طول نیم‌سال‌های تحصیلی در دانشگاه برگزار شود.
- ضعف آگاهی و دانش و ضعف اقتصادی تأثیرات مهمی در مشارکت دانشجویان دارد. پیشنهاد می‌شود دروس در کلاس‌ها با شادابی بیشتر ارائه شود. دانشجویان در جلسات توجیهی ابتدای هر نیم‌سال، به طور کامل با دروس کشاورزی و فعالیت‌ها آشنا و علاقه‌مند شوند. سپس وارد کلاس‌های عملی شوند. همچنین به دانشجویان موفق، امکانات و تسهیلات رایگان تحصیلی اعطا شود.
- پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های برنامه‌های مختلف دانشگاه سازماندهی شود. این برنامه‌ریزی‌ها، به طور منظم در ابتدا و در میان ترم‌های تحصیلی، به اطلاع دانشجویان رسانده شود.

- فعالیت‌های گروه‌های مختلف به طور منظم اطلاع‌رسانی شود، از طرق مختلف نظیر وب‌سایت دانشگاه، ایمیل آکادمیک دانشجویان و همچنین از طریق پیامک روابط عمومی دانشگاه به اطلاع دانشجویان رسانده شود.

- برنامه‌های آموزشی کلاس‌ها به گونه‌ای طراحی و اجرا گردد که بخشی از فعالیت‌های کلاس‌ها برعهده خود دانشجویان قرار گیرد: از جمله: تبادل تجربه و دانش بین دانشجویان، ارائه کنفرانس‌ها، طرح سوالات مختلف توسط دانشجویان و ارائه پاسخ توسط خود آنها، فعالیت‌های گروهی در کلاس درس، کارگاهی دانشجویان.

- واگذاری طراحی، ساماندهی، اجرا و نظارت بر کلیه فعالیت‌های فوق برنامه و جشن‌های آغاز و فارغ‌التحصیلی، فعالیت‌های انجمن‌های علمی و آموزشی بر عهده دانشجویان.

- بهره‌گیری از همکاری و مشارکت جدی دانشجویان در امر برگزاری هرچه بهتر همایش‌ها، سمینارها و گردهمایی‌های آموزشی، دانشجویی، پژوهشی، فرهنگی و دینی در سطح دانشگاه.

- مشارکت و همکاری جدی دانشجویان در تشکیل و ادامه فعالیت‌های شوراها و تشکل‌های مختلف دانشجویی در سطح دانشگاه مانند بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، انجمن‌های علمی و آموزشی پژوهشگران جوان، هلال احمر و برنامه‌ریزی جهت استفاده بهینه از توانمندی‌های دانشجویان در زمینه‌های فوق.

- واگذاری تشکیل جلسات پرسش و پاسخ مسئولین دانشکده‌ها با دانشجویان و دریافت نظرات و پیشنهادات آنها و مشارکت و همکاری دانشجویان در برنامه‌ریزی، برگزاری و ارزشیابی از اردوهای مختلف علمی، آموزشی، فرهنگی، زیارتی، سیاحتی و همچنین واگذاری اداره بخش عمده‌ای از امور بوفه‌ها، خوابگاه‌ها، کتابخانه‌ها، نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، سایت‌ها، آزمایشگاه‌ها و دیگر مراکز خدمات‌رسانی به دانشجویان.

– جلب همکاری و مشارکت دانشجویان در اجرای طرح‌های پژوهشی و تهیه، چاپ و توزیع نشریات، کتب و مجلات مختلف.

References

- Abbasi, A., Saadvandi, M. & Farhadian, H. (2018). Learning Environment Characteristics in Competence-based Agricultural Higher Education. *Agricultural education Administration research*, 10, 109-122.
- Abolghasemi, M., Zinlipour, H. Shikhi, A. & Assare, A. (2018). Design Teaching-Learning Strategies Based on Differential Instruction in the Schools for Gifted Students of Isfahan, a Mix Method Study. *Curriculum Research*, 16, 8(2), 145-171.
- Afzalian Salami, M., Zamani-Moghadam, M. & Salehi, A. (2018). Investigating social participation and factors affecting it in Khaf city. *Cultural-social studies of Khorasan*, 13 (2), 7-46.
- Akbarpourzanglani, M. B., Zare, H., Akrami, M. & Maleki, H. (2016). The Relationship between Educational Social Structures, Socio-Economic Status and Cultural Capital of Family with Academic Engagement and Academic Achievement of Traditional and Distance Education Students. *Educational Psychology Quarterly*, 12 (40), 69-104.
- Ali Noroozi, R., Nosrati Hashi, K., Hatami, M. & Mottaghi, Z. (2015). Evaluating the relationship between university atmosphere and students' educational motivation (Contact Quality, Cooperation Quality, Student-Centeredness, Emotional Relations) (case study, Isfahan University students). *Iranian Journal of Culture in the Islamic University*, 5(14), 77-100.
- Alsharar, N.M. (2018). Internationalization of the higher education system, an interpretive analysis. *International Journal of Educational Management*, 32(3), 359-381, <https://doi.org/10.1108/IJEM-04-2017-0082>.
- Appleton, J., Christenson, S., & Kim, D. (2006). Measuring cognitive and psychological engagement. *Validation of the Student Engagement Instrument. Journal of School Psychology*, 44, 427-445.
- Arasteh H., & Amiri E. (2012). The Role of Universities in Teaching Sustainable Development. *Science Cultivation, Journal of Enculturation and policy making of science, innovation and technology*, 2(2), 29-36.
- Ashwin P. & McVitty D. (2015). The Meanings of Student Engagement, Implications for Policies and Practices. In, Curaj A., Matei L., Pricopie R., Salmi J., Scott P. (eds) *The European Higher Education Area*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-20877-0_23
- Astin, A.W. (1984). Student Involvement, a Developmental Theory for Higher Education. *Journal of College Student Development*, 25, 297-308.
- Balvardi, T. Balvardi, Z. (2012). Spirit of Partnership among University Students Studying the Influential Factors Case of, Islamic Azad University District Seven of the Country. *Iranian Journal of sociology*, 13(3), 57-82.
- Barkaoui, K., Barrett, S. E., Samaroo, J., Dahya, N., Alidina, Sh. & E. James, C. (2015). Teachers' Conceptions of Student Engagement in Learning, the Case of Three Urban Schools. *Alberta Journal of Educational Research*, 61(1), 80-99.
- Beheshtirad R., Ardalan M. R. Farasatkah, M. (2018). Identifying Factors Shaping Iranian Higher Education Quality Assurance, A Phenomenological Study. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 8(23), 153-199.
- Boles, W. & Whelan, K. (2017). Barriers to student success in engineering education. *European Journal of Engineering Education*, 42(4), 368-381.
- Brimani, A. Salehi, M. and Sadeghi, M.R. (2011). Investigating the effective factors on improving the quality of higher education in the course of supplementary education from the point of view of the students of this level. *Education research, Islamic Azad University*, 6 (26), 1-24.
- Bryson, C., & L. Hand. 2007. The role of engagement in inspiring teaching and learning. *Innovations in Education and Teaching International*, 44(4), 349-362.
- Budi Astuti, F., Sumarwan, U. & Qayim, I. (2016). The Role of Student Engagement in the Success of Study of Scholarship Awardee Students of Bogor Agricultural University, Indonesia. *Journal of Education and e-Learning Research*, 3(3), 106-114
- Chapman, C., Laird, J., Ifill, N., & KewalRamani, A. (2010). Trends in high schools dropout and completion rates in the United States, 1972-2009 (NCES 2012-006). Washington, DC, National Center for Education Statistics, Institute of Education Sciences, U.S. Department of Education. Retrieved May 4th 2015 from <http://nces.ed.gov/pubsearch>.
- Creswell, W. (2011). Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. *Educational research*, 4th ed. Boston, Pearson pub.
- Dunbar, D. L. (2012). Student Engagement, Views from Inside One Postsecondary Institution. A thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of Doctor of Philosophy *Department of Theory and Policy Studies Ontario Institute for Studies in Education University of Toronto*.

- Faruzandeh, L. A., Darini, M. & Taab, M. and Saidi, F. (2011). Analysis of factors affecting the participation of Ilam University students in extracurricular activities. *Journal of Research in educational science*, 5(12), 53-69.
- Ferasatkah, M. 2016. Students Lived Experience and Perception of the University A Case Study of Iranian University. *Iranian Higher Education journal (ihej)*. 7 (2), 25-70.
- Fredricks, J. A. (2015). Academic engagement. In J. Wright (Ed.). *The international encyclopedia of social and behavioral sciences*, 2(2), 31-36. Oxford, Elsevier.
- Fredricks, J.A., Blumenfeld, P.C. and Paris, A.H. (2004) School Engagement, Potential of the Concept, State of the Evidence. *Review of Educational Research*. 74 (1), 59-109.
- Ganji, M., Niazi, M. and Heydarian, A. 2017. The study of social factors affecting cultural participation in the university environment. *Applied sociology*. 29 (3), 19-40.
- Ghasemi, J., hoseini, S., Hedjazi, S. & Movahed Mohammadi, H. (2018). Elements of Experiential Learning in Agricultural Higher Education as Perceived by the Students. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 10(-), 76-91. Doi, 10.22092/jaeer.2018.117902.
- Haag, S. (2014). Organizational Inertia as Barrier to Firms' IT'S Adoption – Multidimensional Scale Development and Validation. *Twentieth Americas Conference on Information Systems, Savannah*.
- Hashemian, S. M., Poursalimi, M., Tabakhiyan L. & Barati Golkhandan, S. (2020). Identifying Evaluation Criteria of University Faculty Members' Teaching Behaviors, a Qualitative Study. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 10 (30), 73-100.
- Heydari, J., Moradi Makhlis, H. & Abolghasemi, A. (2019). The effect of designing educational activities based on Vygotsky's dialectic theory on the development of practical thinking. *Quarterly of Educational Psychology, Allameh Tabataba'i University*, 15(51), 51-70.
- Hossein Nejad, G. & Akash, S. (2012). Investigating the utilization of active teaching methods by university professors. *Specialized scientific journal of capital police knowledge*. Year 6, 2(17), 7-20.
- Hosseinzadeh, K., Sarchami, R., Moradabadi, H. & Kazemzadeh Arbab, M. (2018). Faculties' Perspective toward Students' Participation in Teaching, a Qualitative Study. *Journal of Development Strategies in Medical Education*, 5(1), 42-53.
- Huang, H.C, Lai, M.C, Lin, L.H & Chen, C.T. (2013). Overcoming organizational inertia to strengthen business model innovation, an open innovation perspective. *Journal of organizational change management*, 26 (6), 977-1002.
- Jahanian, R. (2010). Students Participation Development in University. *Journal of future studies management*, 21(84), 177-187.
- Kahu, E.R (2013). Framing student engagement in higher education. *Studies in Higher Education*, 38(5), 758-773, DOI, [10.1080/03075079.2011.598505](https://doi.org/10.1080/03075079.2011.598505)
- Karimi, H. & Sotoodeh, B. (2017). Mediating Role of Academic Self-efficacy in the Relationship between Basic Psychological Needs Satisfaction and Academic Engagement among Agricultural Students in the West Iran Universities. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 9(42), 136-151. Doi, 10.22092/jaeer.2018.115717.1433.
- Karimi, H., Zarei, R. & Valizadeh, N. (2020). The Effects of Information Literacy, Self-directed Learning, Critical Thinking, and Academic Self-efficacy on Academic Performance of Agricultural Students. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 12(52), 118-137. Doi, 10.22092/jaeer.2020.342437.1711.
- Karimi, p. and Nasr A. 2013. Interview data analysis methods. *Humanities researches and cultural studies*, 4 (1), 71-94.
- Kaviani, H., Liuaghatdar, M., Zamani, B. & Abediini, Y. (2018). Representation of Students' Experiences of Active Learning in flipped Classroom, Phenomenological Research. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 8(4), 111-138.
- Kelly, D and Amburgey, T.L. 1991. Organizational Inertia and Momentum, A Dynamic Model of Strategic Change. (2017). *The Academy of Management Journal*, 34(3), 591-612. <https://doi.org/10.2307/256407>. <https://www.jstor.org/stable/256407>.
- Kettler, T. (2017). Advanced Academic Participation, A Longitudinal Analysis of Ethnicity Gaps in Suburban Schools. *Journal for the education of the gifted*, 40(1), 3-19. DOI, [10.1177/0162353216686217](https://doi.org/10.1177/0162353216686217).
- Khosravipour, B., Taghibeygi, M., Rafee, M. & Zolali, N. 2016. Factors Affecting Teaching Quality from the Perspective of Ramin Agriculture University Khuzestan, Iran. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 35, 90-105.
- Krause, K. & Coates, H. (2008) Students' Engagement in First-Year University. *Assessment and Evaluation in Higher Education*. 33 (5), 493-505.
- Krause, K. & Coates, H. (2008) Students' Engagement in First-Year University. *Assessment and Evaluation in Higher Education*. 33 (5), 493-505.

- Kuh, G. D. (2003). What we're learning about student engagement from NSSE, Benchmarks for effective educational practices. *Change: the magazine of higher learning*, 35(2), 24-32.
- Kuh, G.D. (2007). How to Help Students Achieve. *The Chronicle of Higher Education*. 53 (41), 1-13.
- Lattuca, L.R. & Stark, J. (2009). Shaping the college curriculum, Academic plans in context, San Francisco, *Jossey Bass*. Second edition.
- Lawrence, A. S. & Vimala, A. (2012). School Environment and Academic Achievement of Standard IX Students. *Online Submission, Journal of Educational and Instructional Studies in the World*, 2(3), 210-215.
- Liao, S.H., Feib, W.C. & Liub, C.T. (2008). Relationships between knowledge inertia, organizational learning, and organization innovation. *Tech novation*, 28(4), 183-194.
- Mahdi, R. (2014). Quality of academic life of students (case study, public universities of Tehran). *Quarterly Journal of Higher Education Association of Iran*, 7(3), 1-25.
- Malekinia, E., Malekinia, Z. and Feizi, S. (2017). Survey on Imperative Strategies for Iranian's higher education system in the globalization age. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6, (24), 518-545.
- Maniei, R., Ferastkxah, M. and Nurshahi, N. (2016). Investigating the extent and dimensions of student engagement in Iranian universities. The project implemented in the Research and Planning Institute of Higher Education.
- Mann, S.J. (2001) Alternative Perspectives on the Student Experience, Alienation and Engagement. *Studies in Higher Education*, 26 (1), pp. 7-19.
- Merghati-Khoei, E., Zareie, F., Bayat, A.R., Dastoorpour, M. & and Rimaz, Sh. (2013). Exploring The Teaching and Learning Approaches from the viewpoint of Postgraduate Students and their Lecturers. *Iranian journal of health education and health promotion*. 1(3), 67-82.
- Mirzaee, N. & Alibaygi, A.H. (2015). Experiential Learning Status from the Viewpoint of Agriculture Students at Razi University. *Agricultural education Administration research*, 7(32), 14-25.
- Movahedi, R., Shirkhani, M. & Talebi, B. (2017). The Study of Effective Factors on Improving the Quality of Education, Case Study in College of Agriculture, Bu-Ali-Sina Universty. *Higher Education Letter*, 10(37), 79-110.
- Nawaz, S., & Gilani, N. (2011). Relationship of parental and peer attachment bonds with career decision-making self-efficacy among adolescents and post-adolescents. *Journal of Behavioral Sciences*, 21, 33-47.
- Nixon, S., & Williams, L. (2014). Increasing student engagement through curriculum redesign, deconstructing the "Apprentice" style of delivery. *Innovations in Education and Teaching International*, 51(1), 26-33.
- O'Connor, E., & McCartney, K. (2007). Examining teacher-child relationships and achievement as part of an ecological model of development. *American Educational Research Journal*, 44, 340-369.
- PetersenPerlman, D., O'Brien, M., Carlson, H., & Hilson, L. (1999). Choreographing partnership, modeling the improvement of teaching and learning. *Teaching in Higher Education*, 4 (2), 253-265.
- Pike, G.R., Smart, J.C., Kuh, G.D. & Hayek, J.C. (2006) Educational Expenditures and Student Engagement, When Does Money Matter? *Research in Higher Education*, 47 (7), 847-872.
- Rahimi, A., Ehsani, M., Saffari, M., & Norouzi Seyyed Hoseini, R. (2020). Role of Human Resource Management Practices and Knowledge Inertia in Academic Entrepreneurship Actions of Sport Science Students and Graduates. *Journal of Human Resource Management in Sport*, 7(2), 421-438.
- Razinkina, E. Pankova, L. Trostinskaya, I. Pozdeeva, E. Evseeva, L & Tanova, A. (2018). Student satisfaction as an element of education quality monitoring in innovative higher education institution. *E3S Web of Conferences* 33, 03043. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/20183303043> Published online 06 March.
- Reschly, A. L., & Christenson, S. L. (2012). Jingle, jangle, and conceptual haziness, Evolution and future directions of the engagement construct. In S. J. Christenson, A. L. Reschly, & C. Wylie (Eds.). *Handbook of research on student engagement*. New York, NY, Springer, 3-19.
- Rubin, H.G & Rubin.I. (2005). Qualitive interviewing, the art of hearing data (2nd.ED), *Thousand Oaks, CA, Sage Publications*.
- Russell, B & R L Slater, G. 2011. Factors that Encourage Student Engagement, Insights from a Case Study of 'First Time' Students in a New Zealand University. *Journal of University Teaching & Learning Practice*.
- Sadati, L., Pazouki, A., Golchin, E., Mehdizadehkashi, A., Pishgahroudsari, M. & Tamannaie, Z. (2013). The Effect of Cooperative Teaching Based on Students' Active Participation on Learning Level in the Paramedical Faculty of Alborz University of Medical Sciences. *Mededj*, 1 (2), 46-52 URL, <http://mededj.ir/article-1-37-fa.html>

- Sepahvand, R. Selgi, Z. and Akbari Pesham, F. (2018). Evaluation of factors affecting the formation of academic inertia using the combined approach of interpretive-fuzzy structural modeling. *Higher Education Quarterly*, 12 (47), 53-78.
- Sharifian, F., Mirshah Jafari, S.M., Sharif, S. M. & Musapour, N. A. (2013). View of curriculum experts and postgraduate students regarding the quality of students' participation in curriculum development. *New educational approaches*. 8(1), 47-88.
- Snell, S.A. & Dean. J.W. (2017). Strategic Compensation for Integrated Manufacturing, The Moderating Effects of Jobs and Organizational Inertia. *Academy of Management Journal*, 37(5). Published Online, 30 Nov, <https://doi.org/10.5465/256668>.
- Soleimani Motlaq, Kh. (2014). Investigating educational factors affecting the quality of university education from the perspective of faculty members and students of Lorestan University. Master's thesis, *Shahid Beheshti University*, Tehran.
- Steele, J. P., & Fullagar, C. J. (2009). Facilitators and outcomes of student engagement in a college setting. *The Journal of Psychology*, 143(1), 5-27.
- Talaei, A. Hekmatpo, D. (2012). Exploration of Arak Medical Students' Experiences on Effective Factors in Active Learning, a Qualitative Research. *Iranian Journal of Medical Education*, 12(2), 131-142.
- Taylor, L., & Parsons, J. (2011). Improving Student Engagement. *Current Issues in Education*, 14, 1-32. <http://cie.asu.edu/ojs/index.php/cieatasu/article/viewFile/745/162>.
- Teoha, H., Abdullah, M., Roslan, S., & Daud, S. (2013). An Investigation of Student Engagement in a Malaysian Public University. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 90, 142 – 151.
- Trowler, V. (2010). Student engagement literature review. *The Higher Education Academy*, 11. 1-15
- Vygotsky, L. S. (1981). Thought and language. (Translated by Habibullah Qasemzadeh). Fifth Edition. Tehran, Arjamand, (2013).
- Wang, M. T., Chow, A., Hofkens, T., & Salmela-Aro, K. (2015). The trajectories of student emotional engagement and school burnout with academic and psychological development, findings from Finish adolescents. *Learning and Instruction*, 36.
- Zahirnia, M., Nikkhah, H. A., Falahi Shahabad, A., Sadeghi, S. & Azizzadeh, A. (2016). Social trust and its impact on social participation of Hormozgan University students. *Journal of Hormozgan cultural research Review*. 11(6), 86-106.
- Zepke, N. & Leach, L. (2010). Improving student engagement, Ten proposals for action. *Active learning in higher education*, 11(3), 167-177.
- Zepke, N. (2014). Student engagement research in higher education, questioning an academic orthodoxy. *Teaching in Higher Education*, 19(6), 697-708.
- Zhen, R., Liu, R. D., Ding, Y., Wang, J., Liu, Y., & Xu, L. (2017). The mediating roles of academic self-efficiency and academic emotions in the relation between basic psychological needs satisfaction and learning engagement among Chinese adolescent students. *Learning and Individual Differences*, 54, 210-216.